



مناظره تلویزیونی پیرامون آزادی ، هرج و مرج ، زورمداری

میان دوره‌ای بود. روی چند نفر از کاندیدها موافقت شد، ولی تمام نشد. با ائتلاف با گروه‌های اسلامی خط امام دیگر هم موافقت شد. بحث مناظره تلویزیونی پیش آمد و موافقت شد که آقای بهشتی در بحث «آزادی، هرج و مرج، زور مداری» شرکت کنند؛ نگرانی عده‌ای این بود که آوردن نماینده حزب توده و اکثریت فدائیان در تلویزیون در کنار آقای بهشتی، بزرگ کردن آنها و زمینه‌ای برای اتهام نفوذ کمونیسم است و قرار شد که با اظهارات مناسب در همان مناظره جلوی این ضرر گرفته شود.^۱

بحث تلاش سوریه برای تشکیل جبهه اسلامی غیر خط امام برای عراق، از افرادی مثل سرتیپ نقیب، خالصی زاده و بارزانی مطرح شد و اینکه سوریه از جبهه سوسیالیستها و ناسیونالیستها طرفی نبسته و به این راه افتاده و اکنون نقیب و ... در تهران هستند و می‌خواهند از ایران تأیید بگیرند و قرار شد با احتیاط حرکت کنیم و تأیید نکنیم و تکیه ما بر همان مسلمانان راستین و احزاب ادعوت و جماعت العلماء باشد. شایعه مرگ صدام مطرح شد، ولی سندی نداشتیم. قرار بود احمد آقا خمینی در جلسه شورا شرکت کنند. معلوم شد، آقای بهشتی با ایشان قرار قطعی نگذاشته‌اند.

پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت

۲ رجب - ۷ می

جلسه علنی داشتیم و بحث طرح بنیاد جنگ زدگان تمام نشد. چون یک فوریتی است و پیشنهاد مجاز است، پیشنهاد زیاد داریم.

اظهارات آقای اعلی گلزاده اغفوری و خانم اعظم اطالقیانی که شعارگونه و تحریک کننده بود، من را عصبانی کرد و به آنها پرخاش کردم. باید این حالت پرخاش را ترک کنم، خوب نیست و مضر است. دوستان هم بعضی تحسین و بعضی انتقاد کردند. حق با منتقدین است ولی شدت علاقه به پیشرفت کار مجلس و علم به موزیانه برخورد کردن بعضی‌ها و انگشت گذاشتن روی نقاط حساس دروغین، آدم را عصبانی می‌کنند.

بعد از ظهر جلسه هیأت رئیسه داشتیم. برنامه هفته آینده را تنظیم کردیم یکی از لوايح در

۱ - در این مناظره‌های تلویزیونی علاوه بر آیت‌الله بهشتی از حزب جمهوری اسلامی، حبیب‌الله پیمان از جنبش مسلمانان مبارز، نورالدین کیانوری از حزب توده ایران، احسان طبری از حزب توده ایران، فرخ نگهدار از سازمان فدائیان خلق اکثریت و همچنین آیت‌الله معباح یزدی از اساتید حوزه علمیه قم و عبدالکریم سروش از اساتید دانشگاه شرکت داشتند.

دستور، تعیین تکلیف امضای حکمهایی است که در اختیار شاه مدفون بوده است. بعضی در اختیار ریاست جمهوری است. از لوایح سیاسی بحث‌انگیز است. با آقای رجائی هم صحبت کردم. پیشنهاد من این است که تقسیم شوند و هر قسمت به ارگان مربوطه واگذار شود. قسمتی را هم قانون اساسی تعیین کرده است.

آقای یارمحمدی از بی‌نظمی سپاه پاسداران جدید محافظ مجلس، شکایت داشت و می‌گفت عده‌ی لازم هشتاد نفر است ولی فقط چهل نفر آمده‌اند و تعویض آنها بدون موافقت مجلس انجام شده و سرپرست ندارند. معتقد بود که فرمانده سپاه تهران بنی‌صدری است، و عمداً چنین کرده است. با مرکز سپاه صحبت کردم، نماینده‌ای فرستادند، او هم چنین چیزی را قبول داشت، ولی مسئول سپاه مجلس را خواستیم، معلوم شد این گمان درست نیست، هشتاد نفر هستند و مسئول هم دارند و گردانی هستند که چندین ماه در جبهه بوده‌اند و شهید و مجروح زیاد دادند.

آقای لاریجانی، مدیر عامل صداوسیما آمد و درباره فیلمبرداری از مجلس بحث کردیم. مشکلاتی در کار است اگر بخواهیم خوب فیلمبرداری کنیم، باید نور زیاد باشد که مجلسیان را اذیت می‌کند. دنبال چاره‌ای هستند و راه‌حلهایی در دست اجراست. از اختلافات مسؤولان سازمان نگران بود و می‌خواست پیشنهاد تعویض مدیر عامل را بدهد. ایشان را منصرف کردم، قرار شد برای رفع اختلافات کمک کنم و ایشان هم برای نیروهای اصیل مذهبی که کنار گذاشته شده‌اند، تلاش کنند.

جمعه ۱۸ اردیبهشت

۲ رجب - ۸ می

اول وقت، آقای ابریشمی آمد؛ می‌خواست در اختلاف با همسایه‌اش کمک بگیرد که معمولاً بدون تحقیق دخالت نمی‌کنیم.

سرهنگ وحید دستجردی رئیس شهربانی آمد و گزارشی از فعال شدن پلیس و آگاهی داد. گفت از مقدار سرقت بانکها و... کم شده و شکایت داشت که آقای بهشتی گفته‌اند "شهربانی چیها" حاضر نیستند، وظایف خودشان را در مورد مبارزه با آشوب طلبان انجام دهند. من هم همین مطلب را تأیید کردم و گفتم باید این روحیه را از پلیس بگیرید. مایل بود که کمیته‌ها را از کلاترپها بیرون کنند. گفتم این کار مشروط به فعال شدن و قابل اطمینان شدن

شهریانی است. خواست به دادستانی انقلاب سفارش کنم که به مأموران شهریانی به خاطر جرایم قبل از انقلاب، فشار نیاورند.

رئیس کلانتری قلهک به خاطر رسیدگی به ضعف و قصور پاسبانهای محافظ خانه من که دقت کافی ندارند آمد، دو روز پیش دو پرتقال به طور مرموز کنار در خانه گذاشته شده که یا تهدید است و یا کار آزمایشی گروهها.

ظهر آقای لاهوتی مهمان ما بود و بحثهایی درباره نقاط ضعف جناح لیبرال شد و تردیدی که بعضیها در کیفیت فرماندهی جنگ دارند؛ تعدیل شده است. بعضی گله‌ها شخصی است.

عصر احمد آقا خمینی آمد. قرار شد یکشنبه به جلسه شورای حزب بیاید. گفت امام دستور داده‌اند که مطبوعات با افرادی که تحریک کننده حرف می‌زنند، مصاحبه نکنند. از کار تلویزیون شکایت داشت و پیشنهادهایی هم داشت. درباره راه همکاری با آقای بنی‌صدر صحبت شد. قبل از ملاقات من با آقای بنی‌صدر، ملاقات داشته. می‌گفت آقای بنی‌صدر کم کم به خود آمده و دارد آماده همکاری با دولت می‌شود.

شب مهمان دکتر وحید دستجردی بودیم با عفت و بچه‌ها. بحثها بیشتر در اطراف سیاست دفع نیروهای میانه بود و توصیه به ملایمت می‌شد.

شنبه ۱۹ اردیبهشت

۲ رجب - ۹ صی

به مجلس رفتیم. پس از مطالعه گزارشها به کمیسیون آئین‌نامه رفتیم. آقای احمد توکلی که قبل از پیروزی انقلاب ممنوع الخروج بوده، برای گرفتن گذرنامه جهت سفر برای معالجه درد مفاصل احتیاج به نامه من به اداره گذرنامه داشت که نوشتم.

در کمیسیون آئین‌نامه روی تعداد کمیسیونها بحث بود. کمی پیشرفت کردیم. ظهر با مسئول گزینش آموزش و پرورش درباره نحوه گزینش صحبت کردم.

عصر گروه فیلمبرداران مجلس آمدند و پس از بحث زیاد شیوه‌ای مورد توافق قرار گرفت. رفتند که آزمایشی عمل کنند و شیوه‌های دیگری هم در مراحل بعد.

نمایندگان انجمن کارگردانان سینما آمدند و از اینکه پس از انقلاب کار درستی در جهت رشد تولید داخلی فیلم انجام نشده و هنوز فیلمهای مبتذل خارجی مرسوم است و تولیدکنندگان در مضیقه‌اند، از فرهنگ و هنر و بنیاد مستضعفان شکایت داشتند. قرار شد پیشنهادشان را

بدهند و من هم کمک کنم.

سفیر ژاپن برای خداحافظی آمد، ضبط صوتی هدیه آورده بود. خوشم نیامد و نخواستم هم ردمحبت کنم. درباره تصمیم شرکت ژاپنی در خصوص عدم تداوم در کار پتروشیمی بحث شد. می‌گفت شرکت به خاطر جنگ و تعطیل کار ضرر می‌بیند. گویا بنا است آقای سادات معاون وزارت نفت به ژاپن برود و آنجا در این باره بحث شود.

نمایندگان انجمن اسلامی شرکت واحد آمدند و از شیطنت دفتر هماهنگی رئیس جمهور و مردم در شرکت و تحریک برای ایجاد اعتصاب، صحبت داشتند.

آقایان محسن رضائی و محمدزاده آمدند و پیشنهادی برای محافظت روحیه سپاه پاسداران در خط امام و ولایت فقیه داشتند و تصمیمی اتخاذ شد که در اساسنامه عمل شود. شب مهمان آقای شهیدی، داماد آقای رسولی بودیم و درباره تنظیم امور روحانیت و اصلاح شاخه روحانیت حزب و روحانیت مبارز بحث شد.

یکشنبه ۲۰ اردیبهشت

۵ رجب - ۱۰ ص

خاطرات روز گذشته را نوشتم و به مجلس رفتم. قبل از شرکت در جلسه علنی، در جلسه کمیسیون تحقیق شرکت کردم. برای بحثی درباره اعتبار نامه آقایان بهروزیه و محمودی. آقای حسینی طباطبائی زابلی از توطئه مفتی زاده در بلوچستان اخباری داشتند. در جلسه علنی، طرح تشکیل بنیاد امور جنگ زدگان تصویب و طرح شوراها تقدیم شد. در تنفس آقای هادی غفاری خبر از کشف مقداری آهن در کوههای شمیران داد که از پیش از پیروزی انقلاب آنجا بوده. مطلب قابل توجهی است.

ظہیر آقای اشیر فضل الله محلاتی به دفتر آمد. از عدم سازش بین شورای فرماندهی و فرمانده سپاه پاسداران صحبت کرد و تقصیر را متوجه شورا می‌دانند.

امام جمعه گنبد آقای عمادی آمد و از مسئولان عمده مازندران شکایت داشت. فرار شد کمکش کنم.

عفت تلفن کرد و پیشنهاد فروش ماشین پژوی اتوماتیک خودش را داشت که من هم موافقم. قرار شد آقا جلال اقدام کند. از پیش از انقلاب داشته‌ایم. تعمیرش مشکل است. آقای امامی کاشانی برای گرفتن قطعه زمینی از اراضی مجلس برای شورای تبلیغات و دفتر

مدرسه مطهری آمد و مذاکراتی کردیم.

عصر در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردم. درباره مناظره آقای بهشتی با گروهها و حوادث شهرکرد و ملی کردن بازرگانی خارجی و سفر نخست وزیر و محمد اخوی به قم و استعفای آقای میرسلیم از سرپرستی بنیاد جنگ زدگان، به خاطر عدم تصویب معافیت مخارج از قانون محاسبات بحث داشتیم.

شب، آقایان رضائی و محمدزاده آمدند و درباره تصمیمات اخیر دولت و شورای قضائی در خصوص برخورد با گروه‌های ضدانقلاب بحثی داشتند. سپاه معتقد است که نباید به آنها مشروعیت سیاسی بدهیم و با توجه به وجود جنگ و کارشکنی‌ها، با آنها برخورد قاطع بشود و سرکوب شوند. حرکت وزارت کشور را ضعیف می‌دانند. آنها را قانع کردم که اول باید اتمام حجت شود و راه فعالیت آزاد و سیاسی باز باشد و اگر آنها نخواستند به قانون احترام بگذارند و طغیان کردند - که ظاهراً قانون ما را نخواهند پذیرفت - در این صورت خشونت جایز می‌شود و بهانه‌ها و مظلوم‌نمائیها را از دستشان می‌گیریم و مردم می‌فهمند که آنها توطئه کردند؛ ولی مشکل عمده رابطه رئیس جمهور با آنها است.

دوشنبه ۲۱ اردیبهشت

۶ رجب - ۱۱ ص

اول وقت به دفتر بخش ایدئولوژی حزب رفتم و مننداری از کارهای گروهی را که به سرپرستی آقای دعاگو، روی کلید قرآن کار می‌کنند، بررسی کردم. کار بزرگی است با این نیروهای کم و کم تجربه پیشرفت ندارد؛ باید افراد قوی‌تری با آنها همکاری کنند. ساعت نه و نیم به مجلس رفتم. آقای عمادالدین کریمی نماینده نوشهر نیم ساعت برای درد دل از کمبودهای حوزه انتخابیه اش توضیح داد. از مسئولان آموزش و پرورش گله داشت که در خط نیستند. به هر جا که گفته اثری نکرده. آقای دکتر باهنر مشکلات زیادی دارد با این کار وسیع و حساس.

کمیسیون آئین‌نامه داشتیم. بحث روی تعداد کمیسیونها بود. کمیسیون طرحهای انقلاب حذف شد، چون کارائی ندارد و لزومی هم ندارد، برای اینکه افرادی در کمیسیونهای دیگر فکرشان را ارائه می‌دهند؛ اگر دارند.

ظهر، افسری از پناهندگان عراقی آمد که در جبهه جنوب می‌جنگد. می‌گفت نزدیک

چهارصد عراقی در جبهه می‌جنگند و راضی بود. ولی معتقد بود افراد غیر خالص اسلامی زیادند. و گروه ایاد سعید ثابت که با پول، از میان رانده شدگان عراقی استخدام شده‌اند، به خاطر اینکه چهارگشته داده‌اند، متفرق شده‌اند. معتقد بود ایاد سعید بعضی است، از طرف صدام در حوزه‌های حزیی مسئول بوده است. از اینکه گمرک مانع ورود اتومبیل او به ایران است، و از کاغذبازی ادارات شکایت داشت. همسرش را صدام پس از فرار او اعدام کرده و بقیه خانواده‌اش به ایران آمده‌اند. از حزب الدعوة است.

با آقای رجائی درباره پیشنهادات هیأت صلح غیر متعهدها^۱ صحبت کردیم. پیشنهاد ایجاد منطقه غیر نظامی در خاک ایران همراه با خروج نیروهای عراقی داده‌اند. بعضی از نظامی‌ها و آقای بنی‌صدر مایلند با تعدیلی بپذیرند.

عصر در جلسه شاخه دانشجویان حزب، درباره سیر تحول مدیریت بعد از انقلاب، سخنرانی داشتم و جواب سئوالاتشان را دادم.^۲

چون روزه بودم، زودتر به طرف منزل حرکت کردم، ولی کمی دیر رسیدم. عفت هم روزه بود و افطار خوبی درست کرده و منتظر من بود. در راه چند دانه انجیر که آقا جلال خریده بود، خوردم. عفت که فکر می‌کرد سیر شده‌ام و از غذای خوب او کم می‌خورم از افطار کردن در راه، خوشش نیامد و حق هم با اوست، چون خودش هم افطاری را به تأخیر انداخته بود.

شب احمد آقا مرعشی آمد و برای آقایان برخوردار و احمدی (قاضی) توصیه خواست و از آقای فهیم گله داشت.

سه شنبه ۲۲ اردیبهشت

۷ رجب - ۱۲ می

مجلس جلسه رسمی غیر علنی داشت. آقای بهزاد نبوی درباره بیانیه الجزایر^۳ و کیفیت حل مسأله گروگانها و جریان کلاه‌گزاری در معامله ۵۶ میلیون دلاری خرید اسلحه، توضیحاتی داد.

۱ - هیأت صلح سازمان کشورهای غیرمتعهد مرکب از ایزیدور ما کالیمر وزیر خارجه کوبا، ناراسیما راتو وزیر خارجه هند، گوما وزیر خارجه ژامبیا، واروف فدومی رئیس دایره سیاسی سازمان آزادیبخش فلسطین و طرزی نماینده ساف در سازمان ملل روز بیستم اردیبهشت وارد تهران شدند. این هیأت با مقامات مختلف کشور از جمله بنی‌صدر رئیس جمهور دیدار و پیشنهادات خود را ارائه داد. ۲ - کتاب هاشمی رفسنجانی - سحراییهای ۱۳۶۰.

۳ - بیانیه الجزایر میان ایران و آمریکا با وساطت الجزایر صادر شده بود. براساس این بیانیه اختلافات مالی و سپرده‌های ایران در کماهی آمریکا و اختلافات قضایی گجاندته شده بود.

توضیحات جالب و افشاگر بود و لیبرالها را خشمگین کرد. تمام وقت مجلس را گرفت و نوبت جواب سئوالات و دفاع کسانی که طبق ماده ۶۶ آئین نامه یک ربع ساعت، وقت می خواستند نرسید. قرار شد بعداً جلسه غیر علنی دیگری داشته باشیم. در مورد [کلاهبرداری] ۵۶ میلیون دلاری سرهنگ افراخته هم توضیحاتی داد. فریور بازداشت شده، کریم میناچی (برادر زاده میناچی)، بهنام سفیر ما در اسپانیا و رئیس بانک ملی پاریس پایشان در میان است. جالب اینکه لیبرالها که خود مسئول جریانند، می خواستند دولت را مسئول قلمداد کنند. دولت برای احتراز از ایجاد تشنج توضیحات لازم را نداده است.

ناهار را به مناسبت حضور آقای [آیت الله سیداسدالله] مدنی امام جمعه تبریز، مهمان آقای [سیدسجاد] حججی بودیم. آقایان [بهزاد] نبوی، [حسن] [صانعی]، توسلی و [سیدحسین] موسوی تبریزی هم بودند.

عصر برای کارهای زیادی که داشتم در جلسه دفتر سیاسی حزب شرکت نکردم. گزارشها را خواندم. شب در نخست وزیری با آقایان رجائی، بهشتی، باهنر، خامنه‌ای و نبوی جلسه داشتیم. از سپاه آمدند و راجع به برخورد با گروه‌های محارب مذاکراتی شد. سپس مسئولان صداوسیما آمدند و درباره اختلافاتشان بحثهای زیادی شد، ولی کم نتیجه. اختلافات عمیق نیست ولی سلیقه‌ها و تمایلات و روابط مایه آن است. نیم ساعت پس از نیمه شب به خانه آمدم.

چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت

۸ رجب - ۱۳ می

ساعت هشت و نیم صبح به مجلس رفتم. پس از انجام کارهای اداری و مطالعه گزارشات در جلسه کمیسیون آئین نامه شرکت کردم. ساعت ۱۱ صبح احمد آقا خمینی تلفن کرد که امروز بناست دستوری از امام، در اخبار ظهر پخش شود که هر گونه آهنگ موسیقی را گرچه همراه سرود، ممنوع می‌کند؛ از من می‌خواست به همراه آقای بهشتی به خدمت امام بروم و از امام تقاضا کنم که مانع پخش این دستور شوند.

من به دلیل لزوم حضور در کمیسیون و به دلیل شبهه شرعی در جلوگیری از اجرای نظری که امام و مرجع تقلید داده‌اند - و شبهه شرعی از این جهت که اگر فتوا است، چرا اطاعت نکنیم - و به دلیل عدم مساعدت استخاره و به خاطر احتمال ضعیف تأثیر ما در اراده امام، در صورت

رای قطعی امام، از رفتن خودداری کردم؛ ولی آقای بهشتی رفتند و نتیجه هم گرفتند و منتشر نشد. صحیح هم این است که اگر نظر امام است، بدون اعلام رفته رفته اجرا گردد. بعد از ظهر جلسه هیأت رئیسه داشتیم و برنامه هفته بعد را تنظیم کردیم و به همین دلیل نتوانستم در شورای مرکزی حزب شرکت کنم.

قرار بود در نخست وزیری با آقای ضیاءالرحمان^۱ رئیس جمهور بنگلادش و حبیب شطی ملاقات کنیم که نرفتم. بعداً معلوم شد، آنها هم نیامده‌اند، زیرا توقع داشته‌اند، این ملاقات در هتل یا خانه سفیرشان انجام شود و آقای رجائی موافقت نکرده‌اند و از طرف ما نسبت به آنها بی‌اعتنائی شد و این خوب نیست، زیرا آنها تقاضا کرده بودند که با من، آقای رجائی و آقای بهشتی ملاقات کنند.

آقایان کیانوری و عموی از رهبران حزب توده آمدند و اطلاعاتی آوردند. معمولاً با دادن اطلاعات با مسئولان رابطه برقرار می‌کنند و از اینکه به آنها اعتماد نمی‌کنیم، اجازه سفر به خارج به آنها نمی‌دهیم و دفترشان را آزاد نمی‌کنیم، گله و شکایت داشتند. معتقد بودند فعلاً زمان برای پذیرفتن صلح و خاتمه دادن به جنگ مناسب است. من گفتم آمریکا هم که موافق صلح است، توجیه می‌کردند که آمریکا برای نجات صدام موافق است، ولی آنها مخالفند که جمهوری اسلامی در اثر جنگ، زیاد ضعیف شود. از احتمال ایجاد فتنه آمریکائی‌ها در سیستان صحبت می‌کردند.

آقای ازهای و مهندس معتمدی آمدند و از اینکه تأییدهای گذشته امام، قیافه واقعی آقای بنی‌صدر را پوشانده است، نگران بودند.

پنجشنبه ۲۴ اردیبهشت

۹ رجب - ۱۲ می

جلسه علنی داشتیم. لایحه لغو عبارت «فرمان همایونی» و جانشین کردن حکم مقام دیگری به جای آن مطرح بود. لیبرالها از اینکه می‌دیدند قدرت آقای بنی‌صدر در بانک مرکزی از دست می‌رود، ناراحت بودند. سعی داشتند مجلس پا نگیرد که گرفت، ولی کار ناتمام ماند.

۱. ضیاءالرحمان رئیس جمهور بنگلادش چند روز بعد از بازگشت به کشورش، مورد سوء قصد قرار گرفت و کشته شد.



حسین نمازی
وزیر اقتصاد و دارائی

محمد علی رجایی
نخست وزیر

محسن نوربخش
رئیس بانک مرکزی

پس از انقلاب طبق مصوبه کمیسیون شماره ۲ شورای انقلاب ، کلیه اختیارات شاه را به رئیس جمهور واگذار نمودند . پس از تشکیل دولت محمد علی رجایی ، بنی صدر ارهمان ابتدا موضع گیریهایی را بر علیه وی برکابینه اتخاذ نمود و ارتمام امکاناتی که در اختیار داشت ، از جمله مصوبه فرمان همایونی کمیسیون شورای انقلاب ، برای تضعیف دولت رجایی ، حداکثر استفاده را می کرد . وی با استفاده از این قانون اختیار عزل و نصب رئیس شهربانی ، فرمانده ژاندارمری و از همه مهمتر رئیس کل بانک مرکزی را از دولت سلب کرده بود ، بطوریکه در حساس ترین روزهای آغاز جنگ ، دولت کنترلی بر بانک مرکزی و همچنین میران ذخایر ارزی مملکت نداشت . لذا مجلس شورای اسلامی قانونی رانحت عنوان حذف عمارت فرمان همایونی در جهت تقویت دولت رجایی تصویب کرد .

آقای بنی صدر طی نامه‌ای، از من نوار سخنان آقای ابهزاد تبوی در جلسه غیر علنی گذشته را خواست که اگر لازم دید به مجلس بیاید و مطالبی بگوید، ولی من مجوزی برای تحویل اسناد سری مجلس نمی‌بینم و هنوز جواب نامه را نفرستاده‌ام. ظهر فائزه و دوستش مهمان ما بودند و در دفتر من ماندند. سپس عفت، اقدس خانم، مهدی و یاسر آمدند. دفتر کار محیط خانوادگی شد و با صفا بود. آمدند که در مراسم عقد دوست فائزه شرکت کنند و پس از عقد به مدرسه رفاه رفتند.

عصر، مصاحبه تلویزیونی به مناسبت سالگرد افتتاح مجلس داشتم^۱. آقای خلیل هدایت آمد و از اینکه دارائی، چک مالیاتی را - که ایشان اواخر زمان طاغوت، به فرمان امام پرداخته بود و پس از انقلاب پرداخته و تا کنون وصول نشده و می‌خواهند ایشان را جریمه کنند - شکایت داشت. به وزیر دارائی نوشتم که مشکل را رفع کند.

آقای حسن بهروزیه نماینده کلیر که اعتبار نامه‌اش هفته آینده در مجلس مطرح می‌شود، آمد. وضع خودش را توضیح داد. سپس مهندس اعزت‌الله سبحانی آمد و از من برای تصویب شدن اعتبارنامه ایشان و حل مشکل مهندس منصور سبحانی که به حکم نماینده دادستان انقلاب، به اتهام همکاری با منافقان، از کار در کارخانه سیمان ممنوع شده، کمک خواست. گروهی از علمای گرگان هم آمدند و از امام جمعه گرگان شکایت داشتند و نامه‌ای از علمای مازندران برای امام داشتند. مایل نیستم در این گونه اختلافات دخالت کنم.

پاسداری هم آمد و عقد ازدواجش را خواندم. شب در مدرسه شهید مطهری، برای تنظیم برنامه کلاسهای اسلام شناسی جلسه داشتیم. آقایان باهنر، خامنه‌ای، جوادی آملی، عبدالمجید معادینخواه، امامی کاشانی و حقانی بودند. ساعت یازده شب به طرف خانه آمدم.

جمعه ۲۵ اردیبهشت

۱۰ رجب - ۱۵ می

تمام امروز در خانه ماندم و تقریباً استراحت نمودم. صبح زود همشیره زاده رضا - که در هندوستان تحصیل می‌کند - آمد. سپس آقای غیوران آمد. ایشان بازرسی ویژه آقای بنی صدر بوده و کار بازرسی برای دفتر ریاست جمهوری می‌کرده. اخیراً استعفاء داده ولی پذیرفته نشده

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

است. اطلاعات ناراحت کننده‌ای از داخل ارتش داد؛ در رابطه با فرماندهی بنی صدر گفتم (مطالب خود را) در اختیار آقای رجائی بگذارم که در شورای عالی دفاع مطرح کند. از آقای بنی صدر سخت ناراحت بود.

طرح تقسیم عادلانه آبهای کشور را - که وزارت نیرو تهیه کرده است - مطالعه کردم. مهدی و یاسر همراه پاسداری به کوهنوردی رفتند و عصر برگشتند و راضی و خوشحال بودند. عصر آقای نشاسته پور آمد. برای گرفتن سه منزل مصادره شده، از بنیاد مستضعفان برای اسکان معلولان جنگ از من توصیه می‌خواست که نوشتم. می‌گفت سیصد و چند خانواده معلول را در این گونه منازل اداره می‌کنند.

مقداری هم با پاسدارها در حیاط منزل، پینگ پنگ بازی کردیم. سر شب آقایان لولاچیان و توکلی آمدند. برای تهیه مسکن و امکانات برای حجاج ایرانی عازم عربستان سعودی بودند و گفتند قرار است تمام کسانی را که سال گذشته به خاطر جنگ، از رفتن به مکه محروم شده‌اند، (در حدود ۶۵ هزار نفر) به مکه ببریم. درباره کیفیت کار برخورد با مسئولان عربستان، مشورت کردند.

فائزه و حمید هم آمدند، در صدد تهیه مسکن و تشکیل زندگی مستقلند. با اینکه بالاخره باید بروند، کمی سخت و مشکل است که بچه‌ها از ما جدا شوند، ولی چاره‌ای نیست. عفت هم مایل است که آنها زودتر مستقل شوند و حق هم از نظر منطق و حساب با اوست.

شنبه ۲۶ اردیبهشت

۱۱ رجب - ۱۶ ص

صبح زود خانم و دختر مرحوم غفوری رفسنجانی آمدند. از اینکه تریاک از فرزندشان و منزلشان در رفسنجان گرفته‌اند و یکی را بازداشت کرده‌اند، وحشت زده بودند و کمک می‌خواستند. در رفسنجان این گونه افراد زیادند و این کار، اثر خوبی در ترک تریاک دیگران دارد. قبل از انقلاب بسیاری از خانواده‌ها آلوده به تریاک بودند.

ساعت هشت و نیم، به منزل امام رفتم. با آقایان خامنه‌ای، جنتی و ناطق نوری به زیارت امام رفتم، مطالب زیادی مطرح شد. وقت خصوصی برای ملاقات نمایندگان گرفتم که امام در خلوت، نظرشان را درباره مجلسیان بگویند. از جنجال لیبرالها درباره بودجه و صدور نفت صحبت شد که امام هم کار مفیدی نمی‌دانستند و قرار شد نصیحتشان کنند.

از جنگ صحبت شد. امام اجازه حمله به شهرهای مسکونی عراق را ندادند. کار مشکلی است که عراقی شهرهای ما را بکوبد و آواره جنگی درست کند، ولی خودش مشکل آوارگان را نداشته باشد. مشکل عمده ما آوارگانند.

از لزوم اعلان موضع آقای بنی صدر، در مقابل گروهکهای محارب صحبت شد. امام گفتند باید بکند، ولی او حاضر نیست و اگر فشار بیاوریم، ممکن است تشنج بوجود آید. تعجب این است که مشاور فرهنگی رئیس جمهور، حاج حمزه، عضو مجاهدین است!

ظهر آقای احسن اصناعی تلفن کرد که امام فرموده‌اند، آقای بنی صدر در ملاقاتش پذیرفته که جنجال بودجه را بخواباند و شما هم لایحه حذف فرمان همایونی را مسکوت بگذارید و من گفتم معامله به نفع بنی صدر است و برای ما راه قانونی از نظر آئین نامه مجلس نیست. اگر لازم باشد، خودم امام را می بینم.

برای بنی صدر مسأله بانک مرکزی، حیاتی است و برای دولت هم. احتمال اینکه امام، برای خواباندن تشنج دخالت کنند، وجود دارد. به آقای رجائی هم اطلاع دادم. جواب آقای بنی صدر را در خصوص درخواست سخنان جلسه غیر علنی دادم، در روزنامه‌ها هم می آید. بعد از ظهر با سفیر امارات متحده، معلمان ناحیه ۱۳، خیراندیش نماینده انجمن اسلامی ذوب آهن کرمان، تعدادی دانشجوی سودانی و ملک پور ملاقات داشتم.

سودانی‌ها در مورد بیعت اسلامی سودان می گفتند و خیراندیش از ضعف مهندس سالور مدیر عامل ذوب آهن، سفیر امارات از علاقه خودشان به انقلاب و فرهنگیان از انحراف فکری در مسئول ناحیه.

یکشنبه ۲۷ اردیبهشت

۱۲ رجب - ۱۷ ص

صبح برای اینکه عفت و فاطمی را به دکتر ببرم، دیرتر از خانه بیرون رفتم. مجلس تعطیل بود. ساعت نه و نیم به مجلس رفتم. منتظر ماندند تا سعید آمد و آنها را به چشم پزشک برد. آقای دکتر روحانی در دفتر منتظر من بود و در مورد اختلاف نظر بین کادر مدیران صداوسیما، مشورت کرد. آقای حسین اغشاری و آقای اعلی اجتی با هم نمی سازند و هر دو مسلمان خط

امامی اند. و اثر نامطلوبی در کیفیت صداوسیما و در نتیجه در تمام انقلاب دارد. آقایان الویری و یارمحمدی هم آمدند و درباره شرایط صلاحیت محافظان نمایندگان مجلس صحبت داشتند. قرار شد، تحقیقات سپاه هر یک را تأیید کرد، عضو سپاه و در خدمت مجلس باشد. مسأله امنیت این روزها مهم و حساس است.

ساعت یازده، در سمینار مدیران کل اقتصاد و دارائی در آمفی تاتر وزارتخانه شرکت کردم و درباره تفاوت حقوق شرعی و مالیات و لزوم توجه دادن مردم به اینکه پرداخت مالیات جمهوری اسلامی، وظیفه شرعی است و جنب اعتماد مردم در امور مالی با حسن عمل و کار توضیحی در اینکه مالیات در مقابل خدمات و مخارج دولت است، صحبت کردم^۱ و خواستند که وقتی از امام برای ملاقاتشان بگیرم. قرار شد فردا در جمع دیگر ملاقات کنندگان امام، شرکت کنند.

ظهر آقای صفاقی نماینده آبادان، همراه نماینده جنگ زدگان ساکن ملک شهر اصفهان آمدند و شکایت داشتند که استاندار می خواهد آنها را منتقل کند و آنها راضی نبودند. تلفنی با استاندار اصفهان آقای داودی صحبت کردم. قضیه جنبه سیاسی و حفظ کنترل دولت دارد. قرار شد چند خانوار که صاحب خانه ها اصرار به تحویل خانه خود دارند، منتقل شوند.

نامه جوابیه آقای بنی صدر رسید و اصرار در گرفتن نوار سخنان آقای ابهرزاد نبوی در جلسه غیر علنی دارند. جواب تهیه کردم.

عصر در شورای مرکزی حزب (جمهوری اسلامی) شرکت کردم. آقای منصوری خیر سرفت اسناد سری وزارت خارجه با همکاری مشاور آقای بنی صدر و مدیر کل امور کنسولی و بازداشت فضلی نژاد را داد. حتماً هیاهو و تشنج به دنبال دارد.

دوشنبه ۲۸ اردیبهشت

۱۳ رجب - ۱۸ ص

امروز به مناسبت میلاد حضرت علی (علیه السلام) تعطیل است و من در خانه ماندم. اول وقت حاج شعبان علی نقدی از تجار یزد - که در بیست سال پیش که برای منبر یزد بودم و در منزلشان برنامه داشتم - آمد و برای حل مشکل آقای مظلومی که ۳۰۰ تن کنجاله وارد کرده و حالا

۱. خوانندگان محترم که متن این سخنرانی یا نوار آن را در اختیار دارید، مبدوقه پستی ۱۹۴۹۵/۱۶۴۸ دفتر شرمه روف انقلاب مکاتبه نمایند.



مجلس عالی
آموزش عالی
جمهوری اسلامی ایران

شماره
تاریخ
هیئت

بجای

دعوت به همکاری - سید ابوالحسن بنی صدر

باسم حضرت روح ۲۷ به ۱۳۹۰ از سید ابوالحسن بنی صدر
مقام عزیز که برادر بزرگوار و همسر ۶۹ قانون اساسی و مؤلف
۴۲۰۰ قانون مجازات افشای اسناد سری است به استیانت سید
موضوع را در حدیثی علی بن ابی طالب کرم و بیخود برای
توسعه اسناد سری علیه او انداخته است. جهت دقت به سرانجام
موضوع در این باره با بیان علیه خود تقویت نمود.
تجدید این حدیث با توجه به قانون اساسی در صورتی که
صداقت نظر آنان را در برابر اسناد سری دادید
و بر اطلاع از اطلاع است. جز به در صورتی که در این مورد
که حضور از قوه مجریه است شایسته است که در این باره
با همکاری شما



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۶۲۴۱ / دال. هر

تاریخ: ۱۴۰۱/۰۶/۰۶

پوست: ...

بخشی

رئیس جمهور محترم جناب سید ابوالحسن بنی صدر:

باسم تعالی مفضل مورخ ۱۳۶۰/۲/۲۲ آنجناب رسیده است. متناهی طایفه فرامین
مطالعه چهره‌سوزی که بتواند به جرایم گسوی اصل ۶۹ قانون اساسی
و مواد ۲۴ و ۲ قانون مجازات افسکای اشخاصی با تسویه
ست نماید.

موضوع را در جلسه رسمی مجلس هم مطرح کرده بودیم و
برای تدوین اساسی مجلس ارائه شد. هیئت رفیقه همپس از
تور... اخذ... اظهار از ما یکسانی مجلس و تصویب نکرده است
جناب عالی بموجب قانون اساسی هر صورت تمایل حق اظهار نظرتان
را در مجلس شورای اسلامی مایه. و برای اطلاع از اظهارات جناب
وزیر مشاور هماهنگی‌تان که طسوی از توده جریه تحت ریاست فکسل
است توفیق پیدا خواهد.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر طالقانی

می‌گویند ممنوع الورد است، کمک خواست. به وزیر کشاورزی محول کردم. مقداری در حیاط منزل با مهدی و پاسدارها پینگ‌پنگ بازی کردیم.

ظهر حسین آقای مرعشی و بچه‌هایش مهمان ما بودند. عصر آقای الویری با جمعی از بستگانش برای عقد ازدواج برادر آقای نوروزی و دختر خوش صولتان آمدند. اکنون از تلویزیون مدح امام علی (علیه السلام) و برنامه کودکان را تماشا می‌کنم.

سه شنبه ۲۹ اردیبهشت

۱۲ رجب ۱۹۰۰ م

جلسه علنی داشتیم. دستور جلسه لایحه حذف عنوان فرمان همایونی بود. پیش از شروع کار، آقای محمد جواد حاجتی کرمانی به من اطلاع داد که امام در ملاقاتی با سه نفر از نمایندگان سمپات لیبرالها، از لایحه اظهار تارضایتی کرده‌اند و آن را تشنج‌زا خوانده‌اند. (البته دوسه روز پیش آقای صانعی هم به من گفته بودند که امام مایلند از این طریق، تشنجی ایجاد نشود). ولی مجلس راهی برای صرف نظر کردن از لایحه نداشت، جز پس گرفتن دولت. امام گفته بودند که من نمی‌خواهم عملی برخلاف قانون انجام شود.

هنگام تنفس، مطلب را با آقای رجائی در میان گذاشتم. ایشان با آقایان خزعلی، جنتی و نبوی برای کسب تکلیف خدمت امام رفتند. امام گفته بودند که این مطلب فرع بر این بوده که آقای بنی‌صدر با توافق آقای رجائی، رئیسی برای بانک مرکزی تعیین کنند که با دولت هماهنگ باشد؛ چون توجه کرده بودند که این سبک برخورد، تضعیف مجلس است و از ناراحتی شدید مجلسیان (اکثریت) مطلع شده بودند، ادامه کار را بی اشکال دانسته بودند. ولی دیگر مجلس تشکیل نشد و به فردا موکول شد. لابد لیبرالها ناراحت خواهند شد و بی عکس‌العمل نخواهند ماند. خیلی روی این توصیه امام، امید بسته بودند.

عصر، در جلسه دفتر سیاسی حزب شرکت کردم. بیشتر بحثها در اطراف کیفیت معارضه با دفتر هماهنگی و خطبانی صدر بود؛ مناسبانه اکثر اوقات ما صرف همین گونه چیزهاست و این خیلی زیانبار است. به جای کار، وقتمان صرف خنثی کردن معارضه‌ها می‌شود و وقت معارضه‌ها هم همچنین و وقت امام و بسیاری دیگر از نیروها و مردم نیز؛ باید فکری کرد. شب، جلسه مشورتی سه قوه داشتیم. آقایان اسید محمود دعائی و اسید محمد اخاتمی،

مسئولان اطلاعات و کیهان^۱ آمدند و از کمبود امکانات مالی مؤسسه‌ها، ضررهایی در حدود دو میلیون و نیم تومان صحبت داشتند و کمک می‌خواستند. عجیب است که مؤسسه‌ای با بیش از دو بیست میلیون تومان سرمایه، ضرر هم بدهد. نشان ناسالمی سازمان است. قرار شد وامی برای رفع مشکلاتشان از دولت بگیرند.

درباره فعال کردن وزارتخانه‌های نفت و خارجه هم بحث شد، پیشرفتی نکرده‌اند. کارها کند حرکت می‌کنند. در هر سه قوه کند است.

چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت

۱۵ رجب - ۲۰ می

جلسه علنی داشتیم و لایحه جنجالی حذف فرمان همایونی که بی جهت لیبرالها به حذف رئیس جمهور معنی کرده‌اند، کلیاتش تصویب شد. و در جزئیاتش ماندیم.

ظهر، نماینده سپاه آبادان آمده و وضع آنجا را خوب توصیف می‌کرد و از کمبود آمبولانس گله داشت. نتوانستیم حاج محسن رفیق دوست، مسئول تدارکات سپاه را پیدا کنیم. چند روز پیش قول تأمین آمبولانس داده ولی عمل نکرده. زود وعده می‌دهد و مثبت است.

اول شب با تلویزیون هلند مصاحبه^۲ داشتیم. بیشتر سئوالاتش در اطراف آزادی و دیکتاتوری و اختلافات داخلی ایران دور می‌زد. هنرمندان ایرانی که همراهش بودند، از وضع مسکن و گرانی شکایت داشتند. باید فکری کرد؛ گرانی، مردم و انقلاب را دچار مشکل می‌کند، همه منتظر لایحه مسکن هستند. خدا کند چیز خوبی بشود.

عصر از سازمان پژوهشهای علمی آمده بودند و خبر از جعل سند توسط رئیس جمهور با امضای یک الحاقیه به قانون شورای انقلاب، بدون طرح در شورا می‌دادند که سازمان را به دفتر ریاست جمهوری وابسته کرده و از تلاش آنها برای حاکم کردن خط لیبرالها در سازمان گله داشتند. از غارت اسناد و پرونده‌های کارکنان دولت، توسط گروه پاکسازی دفتر ریاست جمهوری خبر می‌دادند. برادرش را به همین جرم گرفته‌اند و خیلی چیزها دارد کشف می‌شود. شب در منزل آقای هادی غفاری، جلسه نمایندگان مجلس تهران را داشتیم؛ با حضور

۱ - پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، مؤسسه کیهان متعلق به سازمان مصباح‌راده و مؤسسه اطلاعات متعلق به سازمان عسکری مسعودی بود که بعد از انقلاب به دستور دانشگاه انقلاب اسلامی توقیف شد و اکنون هر دو مؤسسه زیر نظر نماینده ولی فقیه فعالیت می‌نمایند.
۲ - کتاب هاشمی روحانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.



شهردار تهران، درباره محدود کردن توسعه تهران و ایجاد گورستان و انتقال صاحبان اراضی سیاهدشتک که شورای انقلاب به آنها داده، بحث شد.

پنجشنبه ۳۱ اردیبهشت

۱۶ رجب - ۲۱ ص

در جلسه علنی، ادامه بحث لایحه حذف فرمان همایونی را داشتیم. قسمت اساسی پیشنهادهای مورد نظر دولت تصویب شد. بعضی‌ها با بیرون رفتن از جلسه، مخالفت جدی خودشان را آشکار کردند.

ظفر فاطمه و دوستش در مجلس بودند و عفت و خانم و دختر مرحوم شهید مطهری هم آمدند، برای رفتن به کلاس تعلیم مواضع حزب.

عصر طبق قرار قبلی، جلسه هیأت رئیسه در دماوند در منزل آقای الویری بود. بعد از تنظیم برنامه هفته، درباره مسائل روز بحث کردیم. توطئه ایجاد تشنج توسط لیبرالها و ضدانقلاب یا استفاده از جو مربوط به لایحه حذف فرمان همایونی که آن را لایحه حذف بنی صدر نامیده‌اند، برای مواجه شدن با این توطئه بحثهایی شد و تصمیمهایی اتخاذ گردید.

شب را همان جا خوابیدیم و نزدیک نیمه شب، کمی در تپه‌های اطراف باغ قدم زدیم، به انتظار شنیدن خبر پیروزی امروز نیروهای اسلام بر عراقیها در جبهه دزفول؛ خبر فتح تپه الله اکبر که می‌تواند در جنگ سرنوشت ساز باشد و اسارت صدها عراقی، امید بخش بود و من تا نزدیک ساعت یک بامداد بیدار ماندم تا جزئیات اخبار ساعت ۱۲ شب را بشنوم.

www.KetabFarsi.com

خرداد ۱۳۶۰

www.KetabFarsi.com



جمعه ۱ خرداد

۱۷ رجب - ۲۲ ص

صبح زود از دماوند به خانه آمدم. کارهای جاری را انجام دادم. احمدآقا خمینی تلفنی پیشنهاد کرد که نهادها تبریک پیروزی را به خدمت امام بدهند که فرمانده اصلی کل قواست. اگر این پیشنهاد با اشاره امام باشد، حاکی از تصمیم امام در مورد فرماندهی نیروهای مسلح است و این به علت موضع تشنج آفرین آقای بنی صدر در این چند روز اخیر است، مخصوصاً در رابطه با طرح رفراندوم و «مصدق بازی» اوست که اگر بر فرض محال چنین پیش بیاید، بی شک ریاست جمهوری را هم از دست خواهد داد. آقای بنی صدر سخت در اشتباه است.

همراه عفت، یاسر، مهدی و بچه‌های محمد همشیره زاده، ظهر در باغ اردوی کرج دعوت داشتیم. آقای بهشتی هم بودند. نمایشنامه‌ای به نام «فرمان امام» به رهبری آقای فرخ اجرا شد، جالب بود. تأثیر فرمان امام، قبل از پیروزی انقلاب، به نظامیها در مورد ترک سربازخانه‌ها را نشان می‌دادند. با روح و خوب تهیه شده بود. خیلی گریه کردم، چون تحت تأثیر ایمان و ایثار مردم قرار گرفتم.

این باغ را در زمان اختناق رژیم شاه، همفکران و دوستان تهیه کرده بودند که وسیله‌ای برای تجمع و کارهای مبارزه باشد. امروز هم مورد استفاده است. من هم سهم ناچیزی در آن دارم «هفتاد و پنج هزار تومان».

در راه برگشت به تهران، زندان بزرگ گوهردشت را همراه با عفت و بچه‌ها که همراه هم بودند، بازدید کردم. این زندان را رژیم شاه ساخته و هنوز ناتمام است. اخیراً دادستانی انقلاب، دست اندرکار اتمام آن است. خیلی بزرگ و مدرن است. همه چیز در خودش دارد؛ شبیه شهری است. امید است که در جمهوری اسلامی همیشه خالی باشد.

شب احمدآقا خمینی، بدون اطلاع قبلی به منزل آمد. ضمن حرفهای زیاد، صحبت از استعفای رئیس جمهوری داشت. موضوع حذف لقب آیت الله در صدا و سیما از بسیاری از بزرگان علمی، مشکلی برای دفتر امام شده که به فکر چاره‌جویی بود. از سیاست حذف نیروهای مسلمان، ولی غیرمکتبی، مخصوصاً بعضی از افراد نهضت آزادی انتقاد داشت؛ تا حدی هم درست می‌گوید، باید بعضی از اینها را جذب کرد.

شنبه ۲ خرداد

۱۸ رجب - ۲۲ ص

خبر پیروزی و فتح تپه‌های گامیشان، خبر خوشحال کننده صبح بود که رادیو گفت: نادر عراقی با دوستش آمد و برای بعضی از مسئولان سازمان تربیت بدنی وقت گرفتند و آنها هم آمدند و درباره اسنغای آقای داودی که به خاطر مشکلات داخلی و عدم حمایت آقای رجائی است، صحبت کردند. حمایت بیشتر می‌خواستند تا خط امام در این سازمان تثبیت شود.

جلسه آئین نامه داشتیم. پیشرفت خوبی نداشت. ظهر آقای محمدی، قاضی بازنشسته آمد که آقای بنی‌هاشمی هنوز برای ارجاع ایشان، جواب تحقیق را نداده‌اند و تعجب این است که با این همه نیاز به قاضی مسلمان، چند هفته است که معطل کرده‌اند و این انتقاد به بی حالی دوستان شورای عالی قضائی، وارد است که برای فعال کردن قضا، کم کاری دارند.

آقای حق پناه، از اداره سیاسی ایدئولوژیک ارتش آمد و تقاضا داشت از نمایندگان، کسانی برای سخنرانی در ارتش بروند، بنام کمک کم.

بعد از ظهر، مصاحبه‌ای با تلویزیون، درباره سازمان مجاهدین خلق داشتم و از علت انحراف آنها - که همان التذاظ رهبران اولی است - صحبت کردم. سپس مصاحبه‌ای با روزنامه جمهوری اسلامی.

حسین آقا مرعشی با آقای محمودیان - پدر یکی از متهمان توطئه جعل سند در بانک مرکزی در خصوص دویست میلیون تومان برای خرید اسلحه - آمدند. او دستگیر شده و نادم است و از من رضایت می‌خواستند. گفتم اگر در مصاحبه‌ای حقیقت را به مردم بگویید. من مایل به انتقام گیری شخصی نیستم. چهار نفر در این رابطه بازداشت شده‌اند. او می‌گفت معاون حسابداری، سند را جعل کرده و با دست چپ امضاء کرده و ۱۹ عدد فتوکپی گرفته و به کمک دیگران، بخش کرده است.

برادر شهید شیروودی و همکارش خلبان میرزائی آمدند و از احتمال توطئه داخلی در شهادت او می‌گفتند. شب قبل از شهادتش تماس مشکوکی از دو سرهنگ و بنی صدر نقل

۱- برادر شهید شیروودی در این عملیات ۵۵ کیلومتر از منطقه سوخته‌گرد و الله اکبر را آواره کردند. یک تپه کامل و سه گردان بانک عراق در صحنه الله اکبر و هلهه شد و ارتفاعات استراتژیک گومشکان در شمال قصر سرین آواره گردید.
۲- کتبی در شهر رفسنجان ۲۰ ص ص ۱۳۶۰.

می‌کردند و مدعی بودند، جهت تیر از جلو که دشمن بوده، نیست و از کنار است. از من حمایت نیروهای خط امام ارتش را می‌خواستند.

شب، در جلسه دوستان روحانی در منزل آقای مقدسیان، مهمان بودیم. خبر افشای گروه خرابکار «پارس» در آنجا از تلویزیون و مصاحبه آقای ری‌شهری را شنیدیم، جالب بود. دوستانی، از مسامحه شورای قضائی در اصلاح قضا، گله داشتند.

یکشنبه ۳ خرداد

۱۹ رجب - ۲۲ می

به مجلس رفتم. روزه هم بودم. لایحه حذف فرمان همایونی به خوبی تمام و تصویب شد. ولی من به خاطر وضع روحیم، دوسه بار عصبانی شدم. روزهایی که عصبانی هستم، کار اداره مجلس مشکل است.

با آقای باغانی، صحبت کردم که در کار اتمام یا انجام فهرست موضوعی قرآن، کمک کنند. ظهر با آقای لاجوردی دادستان انقلاب تهران، درباره متهمان جعل سند بانک مرکزی، تماس گرفتم. قرار شد، اگر مصاحبه کردند و حقیقت را گفتند و مردم را روشن کردند، تخفیف داده شود. انتقام جوئی نداریم. کشف حقیقت و مصلحت انقلاب مطرح است.

با آقای خیر، سرپرست سازمان برنامه و بودجه، درباره تبصره بیجایی که دولت را، از نیروهای صالح مکتبی جدید محروم می‌کرد، صحبت کردم. قرار شد فکری کنیم.

آقای اعلی‌الاریجانی، مدیرعامل صداوسیما، آمد و درباره اجرای قراردادهای خرید

۱ - محمد رضا شاه با استفاده از نفوذ خود وزیر پا گذاشتن قانون اساسی مشروطه که وی را فاقد مؤهلهای اجرایی می‌دانست، قوانین مختلفی را به تصویب مجلس فرمایش رسانده و در پی روز اختیارات اجرایی بیشتری کسب می‌کرد، به عنوان مثال تقریباً عزل و نصب بسیاری از مقامات مملکت را تحت عنوان تفهید احکام به وسیله فرمان همایونی با تصویب مجلس آن زمان، به دست گرفته بود.

پس از انقلاب طبق مصوبه کمیسیون شماره ۲ شورای انقلاب، کلیه اختیارات شاه را به رئیس جمهور واگذار نمودند. پس از تشکیل دولت محمد علی رجائی، بی‌سدرار همان ابتدا موضع گیریهای را بر علیه وی و گایینه اتخاذ نمود و از تمام امکاناتی که در اختیار داشت، از جمله مصوبه فرمان همایونی کمیسیون شورای انقلاب، برای تضعیف دولت رجائی، حداکثر استفاده را می‌کرد. وی با استفاده از این قانون اختیار عزل و نصب رئیس شهربانی، فرمانده ژاندارمری و از همه مهمتر رئیس کل بانک مرکزی را از دولت سلب کرده بود، به طوری که در حساس‌ترین روزهای آغاز جنگ، دولت کثرتی بر بانک مرکزی و همچنین میزان ذخائر ارزی مملکت بداشت. لذا مجلس شورای اسلامی قانونی را تحت عنوان حذف عبارت فرمان همایونی در جهت تقویت دولت رجائی تصویب کرد. این قانون که در تاریخ ۱۴ خرداد ۶۰ از تصویب نهایی مجلس گذشت، شامل یک ماده و سه تبصره می‌باشد و در آن حاکمیت دولت بر بخشی از دستگاههای اجرایی، تصریح شده است.

وسائل فنی - که از گذشته با آمریکا داشته‌ایم و نیاز داریم - مشورت کرد و گفتیم مانعی ندارد، مذاکره شود، قسمت عمده پول آن را پرداخته‌ایم و اگر ما منصرف شویم، خسارت زیادی متحمل می‌شویم. دستگاہهای جالب و مفیدی هم هستند، که بهتر است بگیریم.

عصر، در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردم و شب، در جلسه مشترک نمایندگان و مجریان هوادار حزب؛ مسئولان قضائی به انتقادات پاسخ دادند.

دوشنبه ۴ خرداد

۲۰ رجب - ۲۵ می

جلسه علنی داشتیم و کارها به خوبی گذشت. [طرح اصلاح خدمت] خارج از مرکز پزشکان [دندانپزشکان و داروسازان] و کلیات لایحه معاملات مسکن تصویب شد.

ظهر، امام جمعه و نمایندگان مردم پاوه آمدند. سه خواسته داشتند: ۱- اصلاح اصل دوازده قانون اساسی در مورد رسمیت اهل سنت، ۲- جلوگیری از اهانت نسبت به چهره‌های اهل سنت، ۳- کمک به شهرداری پاوه.

گفتند، کتابی در مذمت ائمه اهل سنت در منطقه منتشر شده و اسم نویسنده، آقای هاشمی است [و ضدانقلاب شایع کرده که منظور رئیس مجلس است؛ که من رسماً تکذیب کردم. از چه شیوه‌های زشتی، برای تضعیف جمهوری اسلامی استفاده می‌کنند!]

آقایان الویری، پورمحمدی دادستان مسجد سلیمان و بهادری آمدند و درباره اینکه آقای بهادری به هند برود یا در مسجد سلیمان کاندیدا شود، مشورت می‌کردند. جوان جالبی است.

شب، در جلسه وعاظ تهران، در مسجد شهید مطهری، شرکت کردم. حدود پنجاه نفر بودند.

جلسه خوبی بود. درباره اهمیت انقلاب اسلامی و اینکه برای اولین بار، حکومت اسلامی شیعی، براساس ولایت فقیه و احکام اسلامی و حاکمیت فقه اسلام به وجود آمده و ریشه

۱- نام این کتاب منافق و منافقین و نام نویسنده (ع. هاشمی) درج شده است. این کتاب که حاوی توهین‌هایی به مقدسات اهل سنت، از جمله عمر خطاب خلیفه دوم مسلمین می‌باشد، توسط افراد ضدانقلاب با هدف ایجاد تفرقه و تواراندن اهل سنت در مناطق کردنشین پاوه و او را اهانت پخش شده بود. آقای هاشمی رفسنجانی، به ستاد مشترک فرهنگی جهاد و سپاه پاوه درباره این کتاب چنین پاسخ دادند:

سمه تعالی - اینجانب علاوه بر اینکه با طرح هرگونه مسائل تفرقه‌انگیز مخالفم و خلاف شرع مقدس می‌دانم، اهانت به چهره‌های تاریخ صدر اسلام را گناه می‌دانم و بنابراین تهمت را جداً تکذیب می‌نمایم و انتظار دارم برادران و خواهران اهل سنت رشیدتر از آن باشند که تحت تاثیر این گونه نوطه‌ها، قرار گیرند. اکبر هاشمی رفسنجانی

اختلافات ما و لیبرالها همین جا است که آنها فقه ما و ولایت فقیه را قبول ندارند و پس از تدوین قانون اساسی درگیریهای جدی شروع شد؛ نمونه‌هایی از اظهارات بنی‌صدر و بازرگان و دیگران را نقل کردم.^۱

شام در همان مجلس صرف شد و دیر وقت به خانه آمدم. تلویزیون مناظره آقایان بهشتی، پیمان و کیانوری و افرخ نگهدار، عبدالکریم سروش و آیت‌الله مصباح را پخش می‌کرد. تا ساعت یک و ربع بامداد بیدار ماندم.

سه شنبه ۵ خرداد

۲۱ رجب - ۲۶ می

به خاطر کم خوابی شب، بعد از نماز تا ساعت هشت و نیم خوابیدم. جلسه علنی داشتیم. لایحه معاملات مسکن، به خاطر بودجه، سکوت ماند. بحث بودجه، مذاکراتش نامحدود است. برای مخالفان دولت میدان بازی است که اعتراض سیاسی خود را تعقیب کنند. آقای گلزاده غفوری تند صحبت کرد و آخر کار هم با مظلوم نمایی کارش را تمام کرد. می‌خواهند هم مجلس را تضعیف کنند و هم دولت را. ظهیر، هیأت دولت، مهمان مجلس بودند، وسیله خوبی است برای رفع مشکل نمایندگان در کارهای ارجاعی مردم. عده‌ای از علمای اهل سنت ترکمن دشت هم بودند و خواستار اجازه تدریس طلاب سنی در مدارس خودشان بودند. می‌خواستند آنها را با عنوان دیپلم استخدام کنیم. شب با آقای باهنر و آقای رجائی صحبت کردیم و راهی در نظر گرفتیم؛ آزمایشی و سپس مدتی کار آموزی و سپس دیپلم و استخدام.

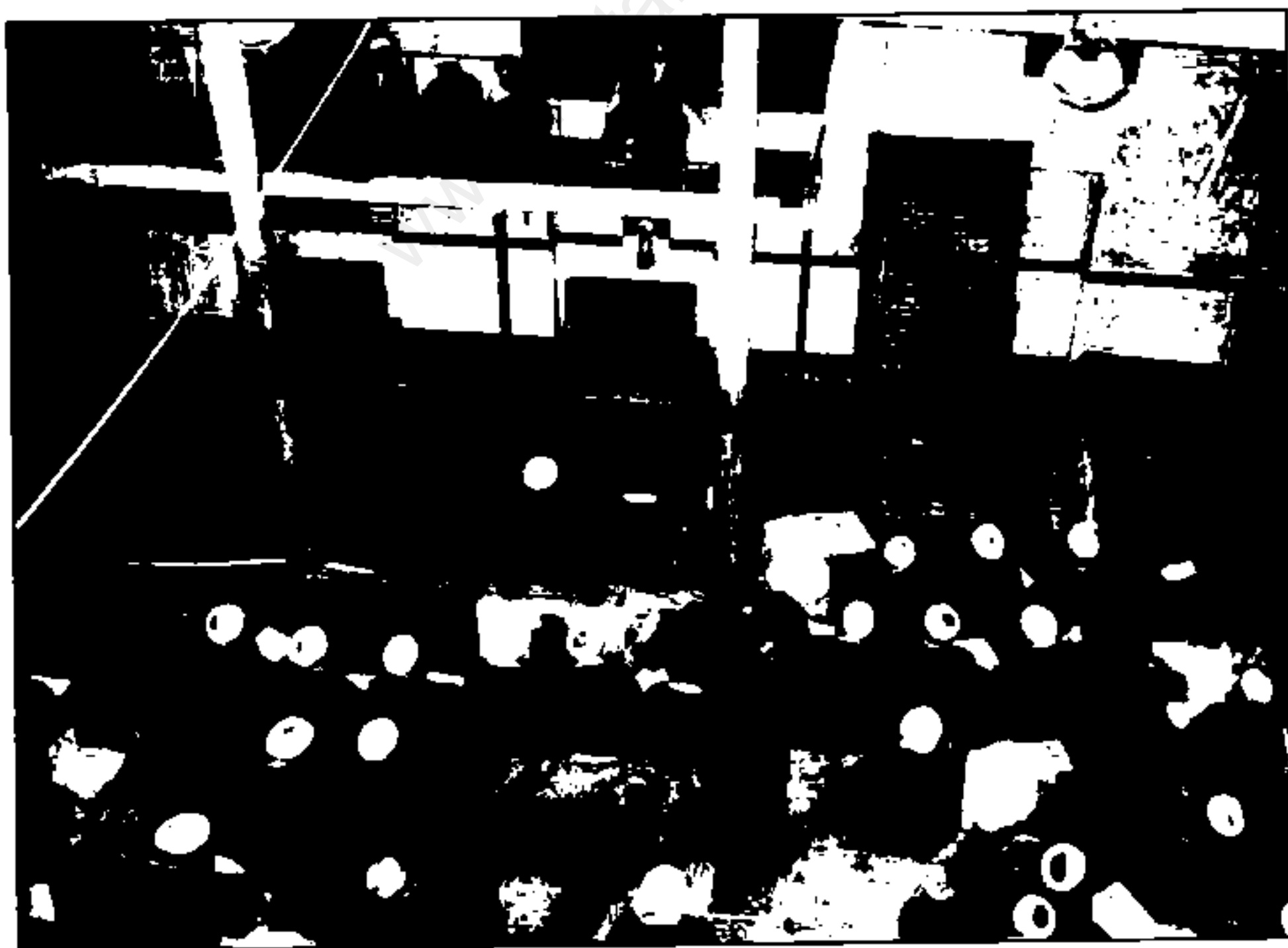
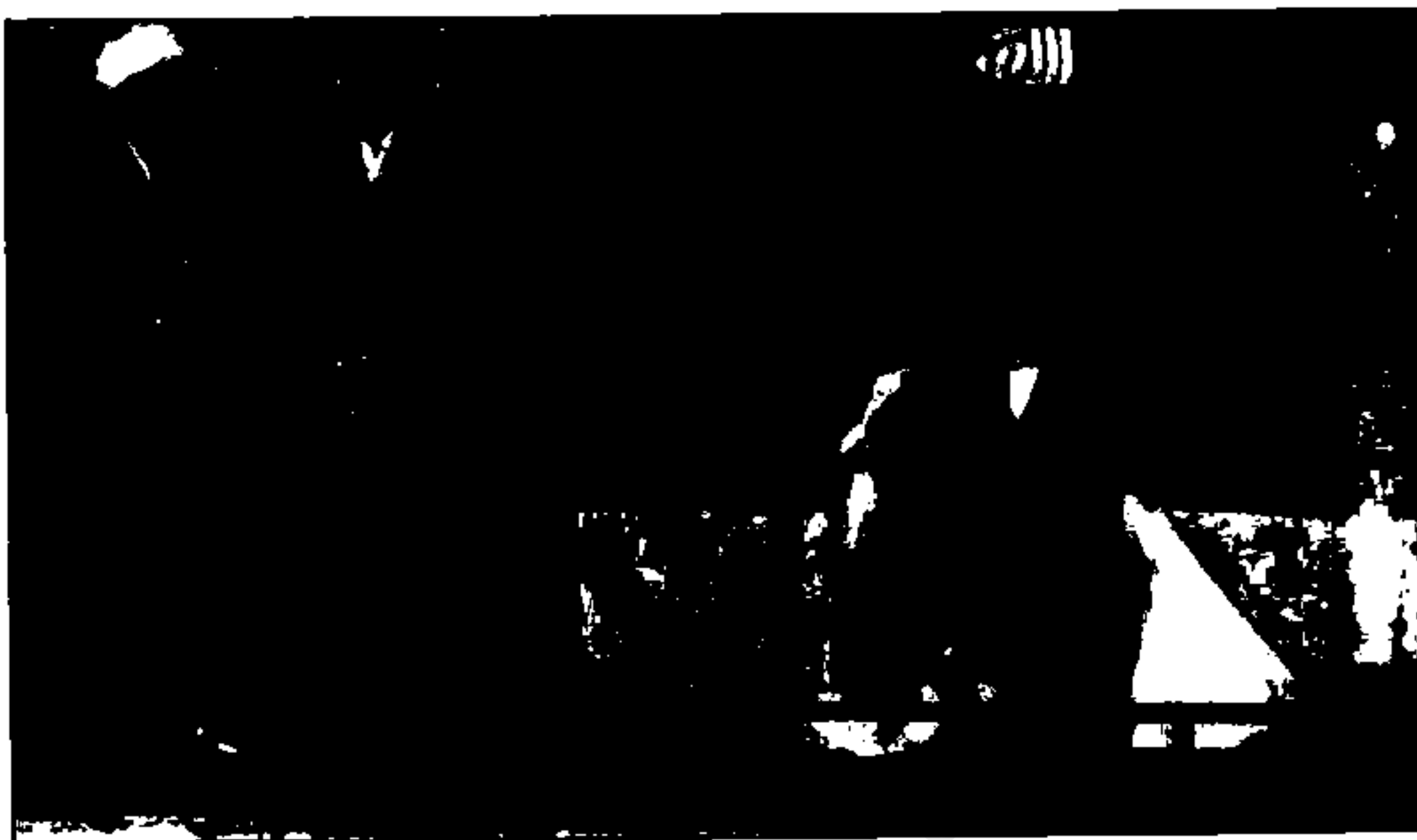
بعد از ظهر، مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان داشتم، به مناسبت سالگرد افتتاح مجلس^۲. سپس

۱ - در این سخنرانی آقای هاشمی رفسنجانی به نقش روحانیت در تاریخ ایران اشاره کرده و در مقام مقایسه گفتند: در هیچ عصری روحانیت مانند الان در صحنه نبوده و اسلام قهارتی در این زمان پیدا شده است؛ ولایت فقیه می‌بایست همواره در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی و غیره حضور داشته باشد.

آقای هاشمی سپس به مسأله اختلاف افکری که گروهها و اشخاص با روحانیت داشته و دارند پرداخته و اظهار داشتند: حتی در زمان مجلس خبرگان نیز اختلاف آن چنان وجود نداشت، اما به محض اینکه اصل ولایت فقیه در مجلس خبرگان به تصویب رسید، سرزاسازگاری با روحانیت آغاز شد. آنها گمان می‌کردند که روحانیون، همانند دوران گذشته، پس از اینکه انقلاب به پیروزی رسید، دنبال کار خودشان می‌روند و دیگر نقشی در سیاست نخواهند داشت.

۲ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

کتاب هاشمی رفسنجانی - سخنرانیهای ۱۳۶۰.



ملاقات نمایندگان مجلس با امام (به مناسبت سالگرد افتتاح مجلس)

آقای دکتر [عبدالله] جاسبی آمد و از ابهام مسئولیت و اختیارات کارش به عنوان مشاور اقتصادی دولت، گله داشت. شب با آقای رجائی صحبت کردم، ایشان هم توضیح نتوانست بدهد. کار ایشان با برنامه و بودجه و سازمان امور اداری و استخدامی و بسیاری از وزارتخانه‌های دیگر تداخل دارد.

شب در نخست وزیری، با آقایان رجائی، خامنه‌ای، باهنر، ابهزاد انبوی و اخوی محمد، جلسه مشاوره داشتیم. درباره خیلی از مسائل تصمیم گرفتیم. قرار شد با لیبی، سیاست دوستانه ولی منظم و منضبط داشته باشیم.

چهارشنبه ۶ خرداد

۲۲ رجب - ۲۷ می

اول وقت، آقای علی هاشمی مسئول تدارکات جهاد استان گیلان آمد، که برای تهیه ماشین آلات سنگین برای جهاد، راهنمائیش کنم. ساعت نه صبح برای ملاقات نمایندگان مجلس با امام، به منزل امام رفتم. به مناسبت سالگرد افتتاح مجلس، این ملاقات انجام می‌گرفت. قرار بود ملاقات خصوصی و در بسته باشد، ولی امام ترجیح دادند که باز باشد و مطالب پخش شود و چه خوب شد. اول، من مقداری صحبت کردم. گزارش از کار و وضع مجلس دادم و از امام برای راهنمایی و تقویت مجلس استمداد کردم.^۱

امام، سخنرانی تاریخی مهمی کردند.^۲ آن چنان مهم که اهل نظر گفتند، انقلاب جدیدی است. نسبت به مخالفان خط امام آن چنان کوبنده [بود] که عده‌ای باور نمی‌کردند، پخش می‌شود. لیبرالها و مخصوصاً بنی‌صدر و نهضت آزادی را خوار و ضعیف کردند. به آنها فضول و غلط کردی گفتند^۳ و تصمیمات مجلس را غیر قابل خدشه معرفی کردند. روحانیت و خط امام

۱ - کتاب "هاشمی رفسنجانی - سخنرانیهای ۱۳۶۰".

۲ - در این سخنرانی تاریخی و سرنوشت ساز - که در صفحه ۱۲۱ جلد ۸ مجموعه صحیفه نور به چاپ رسیده است - امام خمینی، قاطعانه از موضع مجلس و دولت شهید رجائی دفاع کردند و تلویحاً بنی‌صدر و تعدادی از نمایندگان مجلس - فراکسیون اقلیت - را تهدید به مقابله فرمودند. سخنان امام خمینی آن چنان با اهمیت و قاطع بود که لیبرالها و دشمنان خط امام را به شدت مرعوب ساخت و منجر به عزل بنی‌صدر از جانشینی فرماندهی کل قوا و سپس از ریاست جمهوری شد.

۳ - دقیقاً جمله حضرت امام به این صورت بود: نمی‌شود از شما پذیرفت که ما قانون را قبول نداریم، غلط می‌کنی قانون را قبول نداری، قانون تو را قبول ندارد.... شماها به بن‌بست رسیدید، می‌گویید خوب، چه بکنیم، بگذارید اسلام نباشد تا ما باشیم، بگذارید ایران نباشد. شما ایستاده‌اید تا پای اینکه ایران نباشد، دست بردارید از فضولی‌ها، برای خدا کار کنید، برای خدا آرامش بگیرید.

و پاسداران را خیلی صریح تقویت کردند. خدا حفظشان کند. قبل از شروع ملاقات ما، اعضای شورای عالی قضائی، خدمت امام بودند به جز آقای ربانی اشیرازی، احمدآقا هم بود. من هم در قسمتی از جلسه شان رسیدم، بحث بر سر موضع ما با مخالفان و لیبرالها بود، مطالب خوبی گفته شد و تصمیمات خوبی گرفته شد. قرار شد هیأت سه نفری، صریحاً تخلفاتشان را بگویند. دادگاهها هم قویاً عمل کنند و حتی در مورد تعطیل روزنامه‌های ضدانقلاب.

امام گفتند، مجلس محکم روی موضع قانونیش بماند و گفتند بنی صدر به خاطر اطرافیان نابکارش، خودش را حذف می‌کند. احمدآقا هم خوب کمک می‌کرد. ظهر به خانه آمدم. عفت، یاسر و مهدی هم بودند. ناهار خیلی خوب و با صفا بود و یاسر حضور من را در ناهار خانه، جبران نمودن دو شب شام خواند. عصر جلسه علنی داشتیم. پنج ساعت بحث بودجه بود. مخالفان خیلی بی محتوا صحبت کردند، موافقان خیلی خوب جواب دادند: خلخالی و انصاری. لیبرالها در مجلس خیلی سرشکسته بودند، به خاطر حرفهای امام، حرفهای امام در جو مجلس هم خیلی اثر داشت. اگر نبود، بحث بودجه خیلی جنجالی و تشنج زا می‌شد. مخالفان خلع سلاح شده بودند و موافقان آرام.

پنجشنبه ۷ خرداد

۲۲ رجب - ۲۸ می

جلسه علنی داشتیم. ادامه بحث بودجه، آقایان دکتر حسن آیت، اعلی اکبر اتاوق نوری، احمد اسلامیان و عباس مظفر، صحبت کردند. بیشتر صحبتها سیاسی بود و هر کس در خط خود و علیه مخالف خود، صحبت می‌کرد؛ بودجه بهانه‌ای شده است، برای تصفیه حسابهای سیاسی. آئین نامه ناقص است، باید اصلاح شود. هیأت رئیسه تشکیل شد و برنامه هفته آینده را تنظیم کردیم.

بعد از استراحت، به سوی قم حرکت کردیم. در مدرسه فیضیه در جلسه با شکوهی از طلاب به مناسبت پایان سال تحصیلی، شرکت کردم و سخنرانی نمودم^۱ و به سئوالات آنان پاسخ دادم. فکر می‌کنم خیلی مفید باشد. مطالبی که گفتم، می‌تواند در تمام دوران تعطیلی که طلاب

۱- کتاب هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای ۱۳۶۰.

به اطراف کشور برای تبلیغ می‌روند، الهام بخش باشد. اهمیت انقلاب اسلامی و محتوای دو خط مهم موجود: خط امام و لیبرالیسم.

در دفتر مدرسه، حاج آقا مجتبی عراقی از انتشارات مجلس برای کتابخانه قم (کمک) خواست، قبول کردم.

چند طلبه کرمانی، زمینی برای مسکن می‌خواستند، قرار شد تهیه کنم. تعدادی قطعه زمین از پیش از انقلاب داشته‌ام که معمولاً به طلاب نیازمند، می‌بخشم. سرشب، به دیدن آیت الله العظمی گلپایگانی رفتم. مهربان برخورد کردند. تذکراتی درباره مراعات اخلاق در مجلس، تصفیه قوانین گذشته از مطالب خلاف، تصمیم در مورد مسائل مبهم، رسیدگی به تخلفات نهادهای انقلابی و احتیاط در روابط بالایی دادند. از اینکه من گفته بودم، در خانه ایشان ردپای ضدانقلاب را دیده‌ام، گله کردند؛ که درباره همه آنها توضیحات قانع کننده‌ای دادم.

شب را در منزل آقای منتظری خوابیدم. ایشان قرص مسکن خورده بودند و خواب آلود بودند و از ضعف کار قوه قضائیه گله و انتقاد داشتند و اطرفیان‌شان از حذف گروه نوری از صداوسیما، خوشحال بودند و از بیانات اخیر امام. چون هوا گرم بود و کولر هم نداشتند، شب را کنار پنکه خوابیدم و خیلی دیر به خواب رفتم.

جمعه ۸ خرداد

۲۲ رجب - ۲۹ صی

صبحانه را در خدمت آقای منتظری، در منزل ایشان صرف کردیم. آقایان محسن رضائی و ارضا سیف‌اللهی آمدند و درباره کیفیت عملکرد پس از بیانات امام، بحث کردیم. پس از خدا حافظی به منزل آیت‌الله العظمی انجمنی مرعشی رفتم. از اسپانیا برگشته بودند. برای معالجه چشم رفته بودند. بحث به کتابخانه ایشان منجر شد. از کتابخانه ایشان دیدن کردم. کتابخانه جامعی است، بیش از صد هزار کتاب، و کتب خطی قدیمی ارزشمند، دستگاه فیلم و میکروفیلم غنی دارد. کتابخانه شخصی ایشان بوده که وقف کرده‌اند و نگران اداره آن بعد از خودشان بودند. من پیشنهاد کردم که وابسته به مجلس شورای اسلامی کنند.^۱

۱ - در برنامه اول توسعه، با مساعدت آقای هاشمی رفسنجانی، کتابخانه جدیدی در کنار کتابخانه قدیمی ساخته شد که از مجهزترین کتابخانه‌های موجود در سطح کشور است. بعد از ارتحال حضرت آیت‌الله نجفی مرعشی، فرزند ارشد ایشان، مدیریت این مجموعه گرابها را برعهده دارد.

سپس به مرکز حزب جمهوری اسلامی رفتیم و با اعضا، مقداری صحبت کردیم. نسبتاً خوب کار می‌کنند. گفتند روزی چهارهزار تومان کتابهای هدفی می‌فروشند و نوارهای خوب هم روزی سیصد عدد پر و منتشر می‌کنند. کلاسهای خوبی دارند. همانجا با تلویزیون، درباره سفرم به قم و پانزده خرداد مصاحبه کردم^۱.

به طرف تهران حرکت کردیم. در بین راه، خطبه‌های نماز جمعه را گوش دادم و مستقیماً به دانشگاه تهران رفتم و در نماز جمعه شرکت کردم. به خانه آمدم. عفت با بچه‌ها و حسین آقامرعی به پارک ارم (خرم سابق) رفته بودند. آنجا به خاطر سوء رفتار مسئولان با مردم، درگیری پیش آمده بود. تلفنی از خانه خواسته بودند که کسی برود و وضع را ببیند. آقای رحمانی پاسدار رفت و آمد و عفت خیلی ناراحت بود و هنوز ناراحت است. اگر این گونه که می‌گوید باشد، حق با اوست، باید آنها ادب شوند. ان شاء الله رسیدگی خواهم کرد.

شنبه ۹ خرداد

۲۵ رجب - ۲۰ می

جلسه علنی داشتیم و بحث بودجه بود. سخنرانیها طولانی بود و اداره آسان و کمتر نیاز به دخالت داشتم. تا آخر جلسه ماندم. چون شنبه بود و عده‌ای دیر آمدند؛ به خاطر رفتن به سفر، سه ساعت جلسه دیر تشکیل شد. عصر جبران کردیم و اسامی غائبان را دادیم و در اخبار صداوسیما خوانده شد. مؤثر افتاد بعضی‌ها را گله‌مند کرد.

عصر، مصاحبه‌ای با کیهان و امید انقلاب و مجله دیگری در خصوص پانزده خرداد و مجلس داشتم^۲. آقایان محسن رضائی و محمدزاده آمدند. درباره کیفیت حرکت بعد از بیانات امام بحث کردیم. شب را در مجلس خوابیدم. برای استراحت بیشتر، فرصتی شد برای مطالعه بسیاری از گزارشات و مکاتبات که روی میز، جمع شده بود.

شب، خبر دادند که از بیرون به یکی از پادگانهای ارتش تیراندازی شده است. این عمل چند هفته پیش هم اتفاق افتاده بود. لابد برنامه‌ای است که باید عوامل و اهداف آن را کشف کرد.

خبر رسید که باند تروریست بندرعباس که اخیراً چند ترور انجام داده بودند، به

دام افتاده‌اند؛ جالب است و خبر رسید که چندتن از اشرار بلوچستان که در ترور روحانی متعهد اهل سنت زابل «حسین بر» و کشتن ژاندارمها دست داشتند، دستگیر شده‌اند.

یکشنبه ۱۰ خرداد

۲۶ رجب - ۲۱ می

چون در مجلس خوابیده بودم، پیش از شروع جلسه علنی، کارهایی انجام دادم. از ساعت هفت صبح، جلسه علنی داشتیم. چهاردوازدهم بودجه، مطرح بود و نوبت دفاع دولت. تا ساعت یک بعدازظهر طول کشید. ظهیر، آقای لطیف صفری نماینده اسلام آباد غرب، آمد و حکمی می‌خواست که به استناد آن، در کارهای منطقه دخالت کند. برای اصلاح امر، حکم کلی ندادم. حکمی برای رسیدگی به جنگ زده‌ها دادم.

بعدازظهر، نماینده اخوان المسلمین - ابراهیم صالح - با آقای ابراهیمی از دفتر آقای منتظری آمدند. پیشنهاد مذاکره سری با شخصیت‌های عربستان سعودی، برای تفاهم با آنها و جدا کردن آنها از صدام داشت. می‌گفت کشورهای عربی، اگر از ایران مطمئن شوند، از صدام می‌برند و او بدون آنها نمی‌تواند زندگی کند؛ حتی اردن. گفتم از ملاقات در ایران، ابایی نداریم. چند نفر از رهبران کردهای مسلمان عراق هم آمدند و از مشکلاتی که توسط بارزانی‌ها در راه جهاد آنان، ایجاد می‌شود و اینکه ادارات ایرانی، رسبیت برای اینها قائل نیستند، گله داشتند. آقای نصری و آقای علیخانی هم آمدند و درباره انتخابات بوئین زهرا مشورت کردند. در جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی شرکت کردم. بحث بیشتر درباره قوه قضائیه بود. شب در جلسه مشترک نمایندگان مجلس و مسئولان اجرایی هواداران حزب، شرکت کردم و تحلیلی از بیانات اخیر امام در خصوص تقویت مجلس و محکوم کردن لیبرالها ارائه دادم. وزیر بازرگانی، لایحه ملی کردن تجارت خارجی را تشریح کرد.

در خانه آقای توسلی با جمعی از دوستان دفتر امام، مهمان بودیم.

دوشنبه ۱۱ خرداد

۲۷ رجب - ۱ ژوئن

عید مبعث بود و کاری نداشتم. دو روز خاطره نویسی عقب بودم. با استفاده از حافظه نوشتم. شب را به علت مهمان بودن بچه‌ها در منزل شهید مطهری، برای جشن عروسی پسرشان و غفلت‌شان از شام، من شام نخورده خوابیده بودم، راحت‌تر از شبهای دیگر؛ بهتر این است که

شبها شام نخورم یا خیلی سبک بخورم؛ به دلیل اینکه ظهرها غذای خوبی نمی خورم، گاهی شبها غذای سنگین مصرف می شود و این خوب نیست.

صبح اول وقت، سرهنگ وحید رئیس شهربانی آمد. از محکوم شدن سرتیپ البرزی به سه ماه زندان و انفصال دائم، ناراحت بود، گفتم به علت عدم صلاحیت دادگاه، ممکن است نجات یابد. از مخالفت های آقای زواره ای، گله داشت.

حبیب فرزند علی آقاصفریان، دایی زاده که در جنگ، پایش قطع شده، آمد. سربازی بوده در دزفول. پای مصنوعی برای او ساخته اند، ولی به علت عدم وجود نایلون روی پا، هنوز تحویل او نداده اند و می گفت عده زیادی منتظر پا هستند. در هتل پارک، اتاقی به ایشان داده اند و اداره اش می کنند. دیپلم است و از این قبیل افراد فراوانند؛ باید فکراساسی برای معلولان جنگ کرد.

نزدیک ظهر، برای عرض تبریک به دیدن امام رفتم. فوق العاده ازدحام بود. در خیابان، پیاده شدم. در محاصره و فشار مردم که ابراز احساسات می کردند، قرار گرفتم. تا نجات از دستشان، خیلی خسته شدم. مردم چقدر مهربانند و وفادار.

آنجا، خبر شدم که منوچهر مسعودی، مشاور رئیس جمهور را به اتهام فساد، بازداشت کرده اند. احمد آقا می گفت، آقای بنی صدر می گوید به عنوان مشاور من اعلام نشود. با آقای رجائی، تماس گرفتم و ایشان به آقای لاجوردی گفت. قرار شد که موقتاً اعلام نشود. تلکس آمد که آقای احمد اسلامیان نماینده اصفهان را که برای افتتاح دفتر هماهنگی مردم با رئیس جمهور، می خواسته سخنرانی کند، حزب الهی ها مجروح کرده اند و مراسم را به هم زده اند و او با چادر فرار کرده است. بهتر بود بی چادر فرار می کرد که در تاریخ به اینگونه ثبت نشود!

از سپاه قائم، آمده بودند و شکایت داشتند که ارتشیان تانک هایی را که سپاه گرفته و به پشت جبهه آورده، می خواهند بگیرند.

عصر، با بچه ها به پادگان سعدآباد، برای تمرین تیراندازی رفتیم و برای سپاهیان سخنرانی کردم^۱. شب از سپاه برای مشاوره به خانه آمدند.

۱ - متن کامل این سخنرانی در دسترس نمی باشد. افرادی که در این جلسه سخنرانی حضور داشتند و با اینکه نوار این سخنرانی را در اختیار دارند، تقاضا می شود با دفتر نشر معارف انقلاب صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۶۴۸ مکاتبه نمایند.

سه شنبه ۱۲ خرداد

۲۸ رجب - ۲ ژوئن

جلسه علنی درباره چهاردهم بودجه داشتیم. حرکت آقای سلامتیان در اول جلسه عصبانیم کرد. عصر هم، جلسه ادامه داشت.

آقای ملک پور، نماینده زرتشتیان شکایت داشت که دختر زرتشتی را در یزد که می‌گویند مسلمان شده، به خانه آقای صدوقی برده‌اند - و مدعی بود اسلام آوردن واقعیت ندارد. ولی قاعدتاً این ادعا درست نیست، قرار شد تحقیق کنم.

ظهر، معلمان و مربیان فنی خلبانی آمدند. از وضع استخدامی خود شکایت داشتند. عصر آقای جمی امام جمعه آبادان آمد و از خط حرکت در مقابل بنی صدر می‌پرسید. از فرمانده لشکر هفتادوهفت خراسان - که فرمانده اروند هم هست - شکایت داشت.

عصر، در جلسه دفترسیاسی شرکت کردم. درباره حرکت بعد از بیانات امام، علیه لیبرالها بحث شد. روزه بودم و برای افطار به مجلس رفتم.

پس از افطار با آقایان موسوی خوئینی‌ها، دکتر ولایتی و الویری، برای اجرای برنامه «ارتباط مستقیم با مسئولان» به تلویزیون رفتیم. از ساعت ده تا دوازده در برنامه شرکت کردیم. ابتدا شرحی از وضع مجلس دادیم و سپس جواب به سئوالات و در ضمن برنامه، فیلمهایی که تهیه کرده بودند، پخش می‌شد. یک سؤال پخش کرده بودند که به ما اطلاع ندادند و بی جواب ماند که بد شد. روز بعد، اعتراض کردم. می‌گویند اشتباه از مسئول سوئیچینگ بوده که ده روز حقوقش را زده‌اند.

چهارشنبه ۱۳ خرداد

۲۹ رجب - ۳ ژوئن

در جلسه علنی، با آقایان فؤاد کریمی، احسن آیت و عبدالحمید دیالمه که اعتراض آئین‌نامه‌ای داشتند، تند برخورد کردم و بالاخره امروز کار چهاردهم بودجه تمام شد. از خانه آیت‌الله صدوقی، سؤال کردیم. معلوم شد این دختر مسلمان شده و از خانواده‌اش که مسلمان نیستند، جدا شده و به خانه آقای صدوقی پناه برده است. آقای ملک پور، هنوز تعقیب می‌کند.

بعد از ظهر، جلسه هیأت رئیسه داشتیم. برنامه هفته بعد را تنظیم کردیم. کار زیاد است و وقت کم. آخر وقت، آقایان رضائی و محمدزاده از سپاه آمدند و درباره خط حرکت سیاسی، با

مخالفتان بهتئایى کردیم. پیشنهاد کردند، گروهى خط دهنده و هدايت گر سياسى انتخاب شوند. موافقت کردم، قرار شد افرادى را پیشنهاد دهند.

شب، هم در جامعه روحانيت مبارز دعوت داشتم و هم در منزل آقاى دکتر ایدالله اسحابى برای جلسه نمايندگان تهران و هم در منزل آقاى خامنه‌اى برای تهیه پول برای مخارج حزب و روزنامه.

اول وقت به خانه آقاى خامنه‌اى رفتم؛ چون خودشان نبودند، نمازدم. آقاى بهشتى نیامده بودند، خود آقاى خامنه‌اى با مدعوین مذاکره کرده‌اند و حدود ده میلیون تومان، تعهد یا نقد گرفته‌اند. شصت میلیون تومان نیاز داریم.

در جلسه روحانيت، هدفشان این بود که اعتبار مخدوش شده جامعه روحانيت مبارز تهران را با ائتلاف مجدد با نیروهاى انقلابى روحانى که به خاطر روابط جامعه و آقاى بنى صدر از جامعه کنار گرفته بودند، به دست آورند. انصافاً خیلی کوتاه آمدند. آقاى عبدالمجید امعادینخواه و دکتر احسن اروحانى، سخت‌گیرى مى‌کردند، برای تجدید اعتبار جامعه، بالاخره نسبتاً موفق شدند. قرار شد از نو جامعه را تجدید سازمان کنند. آقاى بهشتى هم رسیدند. شام را همان جا خوردیم و به منزل آقاى اسحابى نرسیدیم، لابد سخت گله‌مند مى‌شوند و حمل بر علل سياسى مى‌کنند، ولى من نايل بودم بروم، آقاى اشیح فضل‌الله محلاتى مانع شد. به خاطر اهميتى که برای جلسه جامعه قائل بودند، خودشان قرار شد، عذر من را بگویند.

پنجشنبه ۱۴ خرداد

۱ شعبان ۴۰ زونن

در جلسه علنى، بحث در مورد اصلاح موارد اعتراض شورای نگهبان به مصوبات لایحه حذف «فرمان همايونى» و طرح بنياد جنگ زدگان بود. آئين‌نامه برای این کار وضع مبهمى دارد. به زحمت، توانستیم آن را در دستور کار قرار دهیم و تمام وقت جلسه امروز را گرفت. اعتراضات شورای نگهبان خیلی کوچک و کم اهميت بود. اى کاش که در آینده این گونه چیزها نباشد.

ظهر، گروهى از شعرا و خطباى عرب خوزستان به ملاقاتم آمدند برای تبليغ انقلاب اسلامى عازم کشورهاى عربى هستند، سرودى خواندند و سخنانى گفتند. جالب بود. من هم برايشان

صحبت کردم و روی تقدم اسلام بر نژاد و زبان و وحدت مسلمین صحبت کردم^۱. مشکلاتی در کارشان است که از من خواستند حل کنم، عده زیادی هستند، نمی دانم طراح برنامه کیست. عصر، گروهی از مبارزان مسلمان متعهد فلسطینی، آمدند که خط اسلامی مبارزه فلسطین را تشکیل داده اند و حمایت می خواستند.

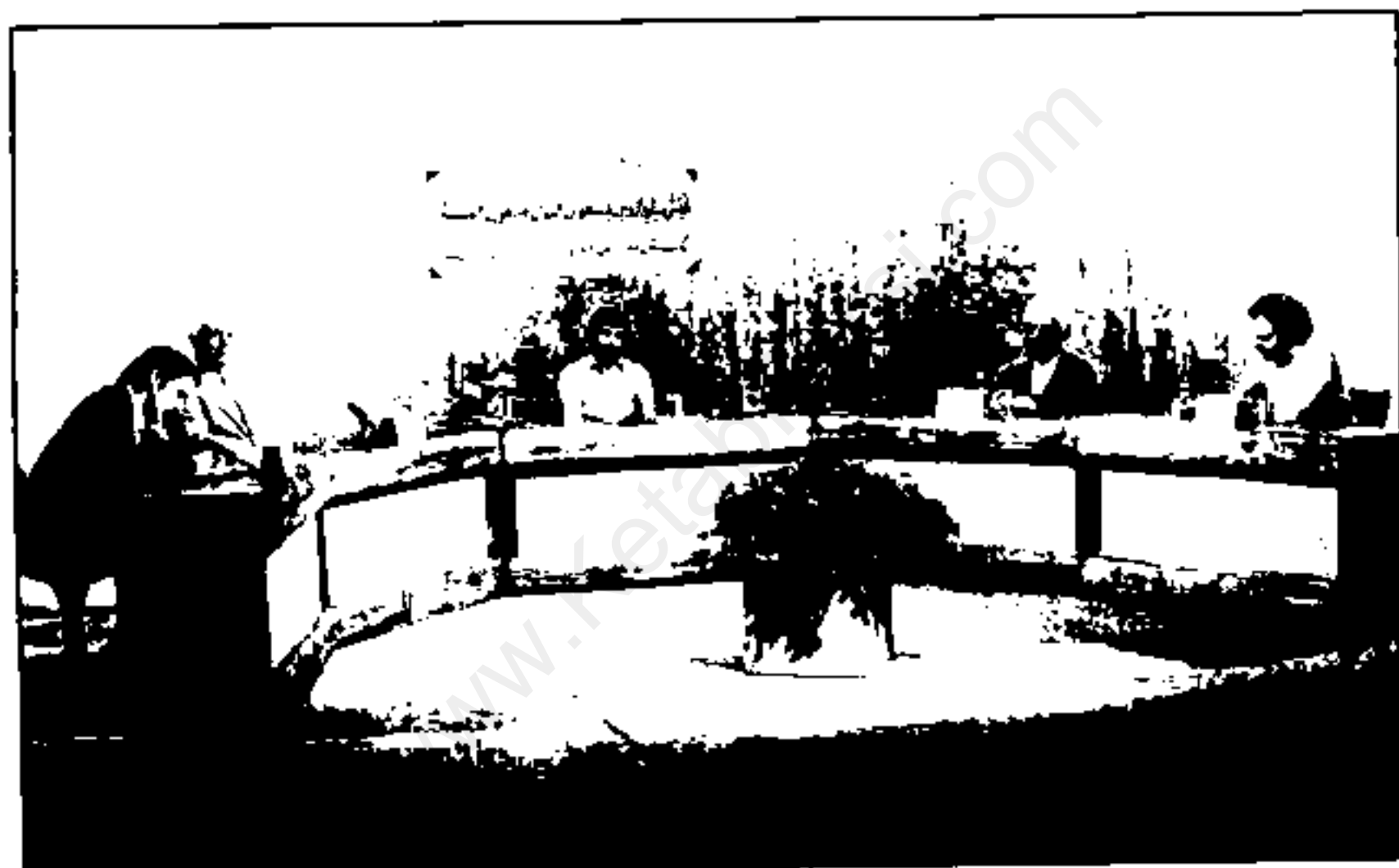
سپس، در جلسه واحد کارگران حزب، شرکت کردم و دو ساعت با آنها برنامه داشتم. جالب بود و بلافاصله، نمایندگان انجمنهای اسلامی سازمان بیزیستی آمدند؛ نیم ساعت هم برای آنها صحبت کردم^۲، راستی که چقدر نیروی اسلامی داریم!

اول شب، در نخست وزیری با احمد آقا خمینی و آقای رجائی، جلسه ای داشتیم. احمد آقا مطالب مهمی داشت. حسابی همراهی می کنند؛ مسأله گروه مسلح مستقل چمران، مسأله بنی صدر و راه حلبایی داشت. از وضع رفاهی بد شهر قم می گفت و توصیه امام را در خصوص رسیدن به وضع قم و جنگ زدگان. معتقد است که امام باید صریحاً با بنی صدر برخورد کنند. شب، به دعوت خانم اعظم طالقانی در منزل برادرش که جلسه خانوادگی طالقانی ها بود، شرکت کردم؛ بحثهای زیادی شد.

جمعه ۱۵ خرداد

۲ شعبان - ۵ زونن

تقریباً تمام وقت، در منزل ماندم و فقط برای نماز جمعه بیرون رفتم. اول وقت آقای ری شهری تلفن کرد و گفت آقای بنی صدر به آقای غفوری، استاندار مشهد گفته است که من مثل همین قله دماوند به رأی العین می بینم که عمامه آقای ری شهری را به گردنش انداخته اند و در خیابانها می گردانند. مشورت می کرد، درباره کیفیت جواب و این حرف مال کسی است که مطمئن است، کودتائی در پیش است که لیبرالها و تصنیه شده های ارتش حاکم می شوند. در غیر این صورت، درباره قاضی شرع دادگاههای ارتش، چه کسی چنین رفتاری خواهد داشت. ظهر، همراه عفت به نماز جمعه رفتیم. برای پانزده خرداد، جمعیت عظیم و غیر قابل انتظاری جمع شده بودند. ضد انقلاب از این جمعیتها ناراحت و مأیوس می شود. عصر مقداری از مناظره ایدئولوژیک را تماشا کردم. توده ای ها و فدائی ها، خیلی بی منطق و ضعیف حرف



مناظره ایدئولوژیک

می زدند؛ حتی نتوانستند "تضاد" را تعریف کنند. وقتی که "تضاد" را که جوهر دیالکتیک است، نتوانند تعریف کنند، چگونه اثبات می کنند؟!

مقداری هم با بچه ها و پاسدارها پینگ پنگ بازی کردم و جواب چند مراجعه را نوشتم. شب، رئیس واحد حفاظت سپاه پاسداران، آقای صلاحمند، آمد و پیشنهادات اصلاحی برای کار حفاظت داشت. به نظر می رسد، مرد خوبی باشد. در خط امام است و همراهی داشت. دعوت به حضور در جلسه ای در مسجد محمدی می کرد، وعده حتمی ندادم.

شنبه ۱۶ خرداد

۳ شعبان - ۶ زون

صبح اول وقت، برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب، برای دیدن وضع کتابخانه به مجلس شورای قدیم رفتم. یک ساعت تمام قسمتها را بازدید کردم. کتابخانه مجهزی است و کتاب خوان کم دارد. روزی به طور متوسط، ده نفر مراجعه می کنند، پانصد هزار کتاب دارد و بیش از بیست نفر، کار می کنند. سپس از کتابخانه شماره ۲ در محل مجلس، بازدید کردیم. اینجا فعال تر و با انضباط تر است و با امکانات کمتر، ولی اینجا هم، مراجعه کننده کم دارد. چند نفر از کارمندان مجلس را احضار کردم و در خصوص اتهامات به یکی از کارمندان، در خصوص نوشتن نامه های خلاف عفت، به یکی از کارمندان زن مجلس، تحقیق کردم. تقصیر ثابت شد.

آقای عبدالحمید دیالمه آمد و مطالبی گفت که خود را از اتهام انجمنی اجنبیه بودن تبرئه نماید، قبول کردیم. آقای دکتر احسبی آمدند، مذاکره کردیم، در خط امام است و پیشنهاد مراودت بیشتر با آقای بنی صدر می کرد. از عواقب اختلافات خائف بود. می خواست ترتیبی برای مشروعیت غیبت ایشان، از مجلس برای شرکت در ستاد انقلاب فرهنگی داده شود.

عصر، ملاقاتی با سفیر شوروی داشتم. می خواست از کلیه اختلافات داخلی ما با خبر شود که چیزی به دست نیاورد. تشبیه به اختلاف شوروی با چین و یوگسلاوی و... کردم و از اینکه مسئولان ایرانی، شوروی را دشمن انقلاب ایران، می گویند، ناراحت بود. گفتم تجاوز شما به افغانستان چنین روحیه ای می دهد و از ایشان خواستم به تجاوز خود خاتمه بدهند و افغانستان را به حال خود بگذارند. خواست، قضیه را با نفوذ آمریکا در جنوب خلیج فارس، مربوط کند،

جواب دادم.

با خبرگزاری لیبی هم، مصاحبه طولانی داشتم^۱. چند نفر از طلاب قم هم آمدند و زمین می‌خواستند. شب در جلسه دوستان هوادار حزب در منزل آقای میرشکاری، شرکت کردم. آقایان خامنه‌ای و باهنر هم بودند و فیلم روز پاسدار را دیدیم که جالب و حزب‌اللهی و ضدلیبرالی بود.

یکشنبه ۱۷ خرداد

۴ شعبان - ۷ ژوئن

روزه گرفتم؛ آخرین روزه از شش روز، روزه قرضی که دو سال پیش به علت نفاقت بعد از تیر خوردن^۲ و عمل جراحی نگرفته بودم. جلسه علنی داشتیم. لایحه معاملات اماکن مسکونی، مطرح بود. لایحه مشکلی است. محدودیت‌هایی که پیشنهاد شده، از نظر جمعی مخالف اسلام است.

دو فوریت طرح قانونی شدن مصوبات مجلس، بدون امضاء رئیس جمهور، پس از تأیید شورای نگهبان و گذشتن پنج روز نیز تصویب شد. این طرح هم بدون سروصدا نیست^۳. ظهر، خبر تعطیل موقت روزنامه‌های انقلاب اسلامی، میزان، آرمان ملت، مردم و جبهه ملی از طرف دادستان انقلاب اسلامی تهران، پخش شد. اقدام جسورانه‌ای است^۴. قرار نبود تعطیل شوند، مخصوصاً در آستانه انتخابات. تحقیق کردم معلوم شد شورای عالی قضائی هم

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

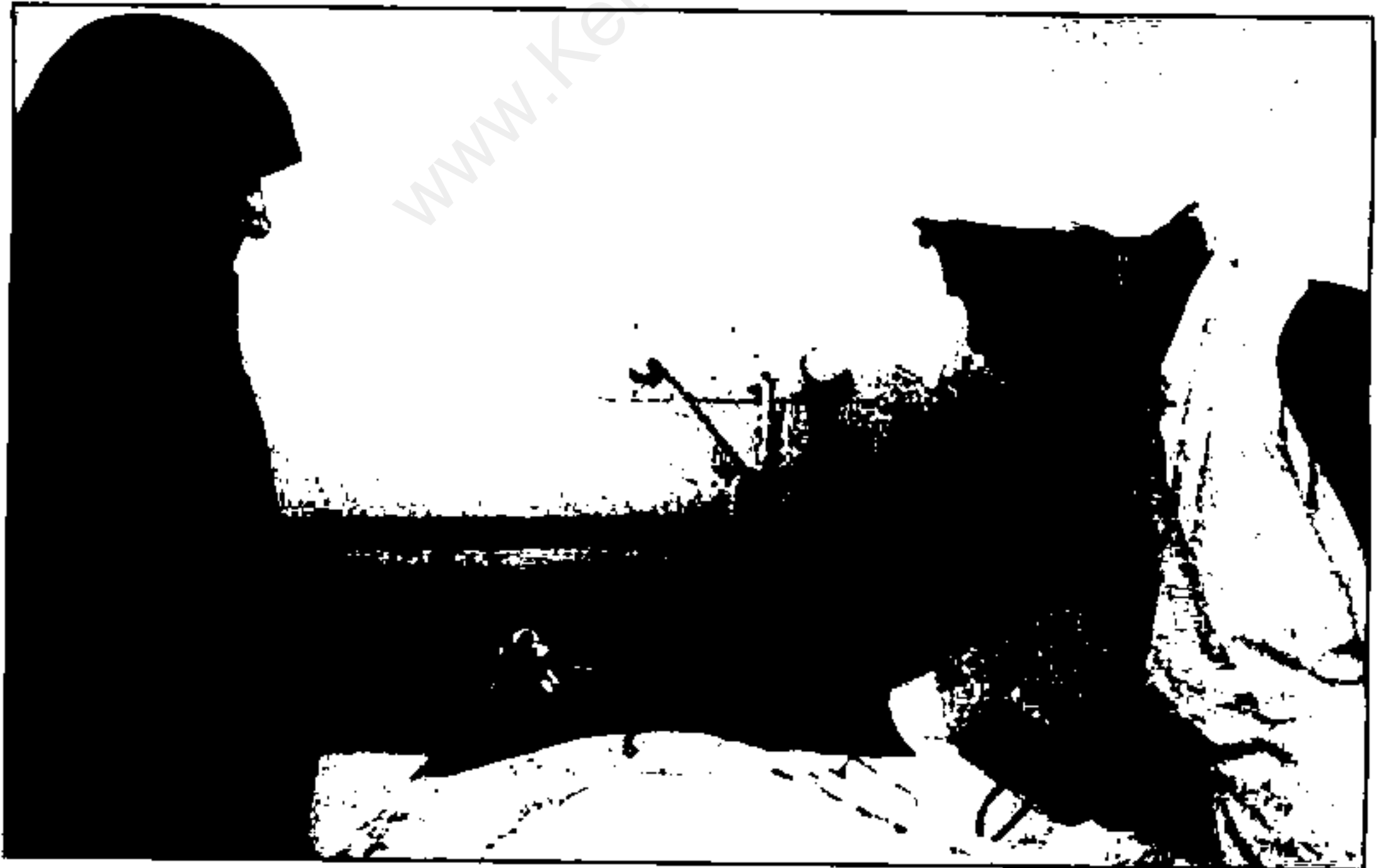
۲ - آقای هاشمی رفسنجانی در خرداد ماه سال ۱۳۵۸ توسط تروریست‌های گروه فرزان مورد سوء قصد واقع شد و با رشادت و اقدام به موقع همسرشان - بانو عفت مرعشی - از این ترور، جان سالم بدر بردند.

۳ - این طرح به خاطر امتناع آقای بنی‌سدر رئیس جمهور از امضاء و ابلاغ برخی از مصوبات مجلس، تهیه و تصویب شد. او مدعی بود، می‌تواند، مصوبات مجلس را قبول و ابلاغ نکند که با تصویب شورای نگهبان - که قانون اساسی را تفسیر می‌نمود - مشکل حل گردید.

۴ - متن کامل حکم دادستانی به این شرح است:

بسمه تعالی - امت قهرمان و متعهد ایران، نظر به اینکه روزنامه‌های آرمان ملت، انقلاب اسلامی، جبهه ملی و میزان با نشر مقالات تشنج‌زا و مخل به مبانی اسلامی و حقوق عمومی جامعه نوپا و انقلابی مردم مسلمان ایران، بالاخص در زمان جنگ با ایجاد جو مسموم و اختلاف‌انگیز، موجب اعتراض و شکایت اقشار مختلف مردم شده‌اند و هیأت سه نفره حل اختلاف نیز تخلف آنها را محرز دانسته است، لذا تا اطلاع ثانوی روزنامه‌های فوق‌الذکر توقیف و موضوع تحت رسیدگی و پیگرد قانونی می‌باشد. ضمناً تشریحات نامه مردم و عدالت که در حال توطئه خزنده علیه جمهوری اسلامی و مبانی مقدس اسلامی می‌باشند، نیز تا اطلاع ثانوی توقیف می‌باشند. دادستان انقلاب جمهوری اسلامی مرکز - سیداسدالله لاجوردی.

خرداد ۱۳۵۸ ترور توسط گروه فرقان



عیادت دکتر مفتاح از آیت الله هاشمی رفسنجانی در بیمارستان
این عکس همسر آیت الله هاشمی رفسنجانی را در کنار تخت بیمارستان نشان می دهد

جانب قبره سلم جبا پرستنده را شکی عزیز

درم درین که به بر رخسار آن آرد شده ز بهارستان پیام دار به رخسار آن بگریه از زنده است
 مدسره مد می زنی است در این تاریخ تا آخر زندگیت به حوائج بایر نرسند بگریه
 چون بخت زنی است بر یکا و دیگر بر قدرها به بند ملت ما زنی است جفا است عظیم این
 سه روز شام زنی بدون بخت است این با این حدیث را حکایت نمیکنند بعد از
 مادر آرد کند نمیکنند کیفیت این است سدی مطهر و شکر آرد کند هر چند آرد آجا
 شد در زبان یافته باشند و از بد بهر آنجا جرای بر قدرها و جانی که در آن
 بین ایستادم بخود ملت با تمام قوا بایر در تمام سیه است و است کند و نظر آرد
 با کمال رقت بعد از این جانی که از زنی است کند و به ادعایها بر بخت سدی
 با سدا در این بخت و در در آن بوظیفه از این کیفیت را از زنی بخت
 در دست و آرد؟ مشکوک است نظر بگیرند اگر چه خود آنرا در جانی باشد
 محرم است بر بخت سدی خود آرد به در جهان و جانی جانی که در آن
 خود نیز مایه بزرگ سدی در بجا در در این بخت سدی بایان
 دولت میکنیم بایر است جانی که از فلک سدی دارم استغنی
 شود دولت هر بخت جانی که سدی نفس بایر از به قاری شکی آرد
 بر بخت سدی بگویم که در راه چرخ تا نزدیک شهادت بگریه
 دولت داد به خدمت باین در از خداوند خیر تمام در بسم
 عید و جانی که باین
 خیر

جناب حجت الاسلام مجاهد متعهد آقای هاشمی عزیز

مرحوم مدرس که به امر رضاخان ترور شد از بیمارستان پیام داد به رضا خان بگویند من زنده هستم مدرس حالا هم زنده است ، مردان تاریخ تا آخر زنده هستند بدخواهان باید بدانند هاشمی زنده است چون نهضت زنده است. آمریکا و دیگر ابرقدرتها بدانند ملت ما زنده است . اجتماعات عظیم این دو، سه روز شاهد زنده بودن انقلاب است . اینان باین تلاشهای احمقانه نمی توانند انقلاب اسلامی ما را ترور کنند نمی توانند شخصیت انسانی، اسلامی مطهری و هاشمی را ترور کنند . هرچند ترورها حساب شده و سازمان یافته باشند و از لابلای آنها جای پای ابرقدرتها و جنایتکاران بین المللی به چشم بخورد . ملت با تمام قوا باید در مقابل دسیسه ها مقاومت کنند توطئه ها را بشکنند با کمال مراقبت انقلابی ، این جنایتکاران را شناسایی کنند و به دادگاههای انقلابی معرفی کنند . پاسداران انقلاب و رؤسای آنان موظفند از این شخصیتهای ارزنده انقلابی حفاظت کنند و رفت و آمدهای مشکوک را تحت نظر بگیرند اگرچه خود آنان راضی نباشند . ملت بزرگ اسلامی مصمم است به نهضت اسلامی خود ادامه دهد و اجازه دخالت خیانت کاران را در کشور خود ندهد . ماملتهای بزرگ اسلامی را به همکاری در این نهضت اسلامی ایران دعوت می کنیم باید دست جنایت کاران از ممالک اسلامی و از عموم مستضعفین قطع شود و وعده الهی به همت اقشار ملت های اسلامی تحقق یابد . من به آقای هاشمی فرزند برومند اسلام تبریک می گویم که در راه هدف تانزدیک شهادت به پیش رفت و سلامت و ادامه خدمت ایشان را از خدای تعالی خواستارم .

والسلام

علیه و علی عبادالله الصالحین

روح الله الموسوی الخمينی

تصویب کرده است.

عصر در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردم. بحث در مورد تعطیل روزنامه‌ها بود. اکثریت موافق بودند و چند نفری هم مخالف؛ منجمله من. خبر صدور اعلامیه آقای بنی صدر رسید. معلوم شد، تصمیم گرفته‌اند از رادیو تلویزیون پخش نشود، چون تحریک کننده است، درباره همین روزنامه‌هاست^۱. شب، در جلسه مشترک نمایندگان و مجریان هوادار حزب، شرکت کردم. مقداری درباره علل گرانی بحث شد. سپس درباره تعطیل روزنامه‌ها؛ آقای بهشتی عمل را توجیه کردند و سه نفر آقایان الویری، انصاری، زرندی و دکتر روحانی مخالفت کردند، آقای لاجوردی دادستان انقلاب، دفاع کرد و اکثریت حضار، ایشان را تأیید کردند و قرار شد عقب نشینی نشود. شب به خانه آمدم، غفت عصر امروز با خانم امام ملاقات داشتم، برای ترتیب ملاقات پرستارهای اهوازی که برای مجروحان جنگ، زحمت کشیده‌اند.

دوشنبه ۱۸ خرداد

۵ شعبان - ۸ ژوئن

امروز به خاطر تعطیل روزنامه، احتمال حوادثی حتی در مجلس می‌دادم. جلسه عملی داشتیم. اتفاق مهمی نیفتاد.

لیبرالها جلسه‌ای برای خود داشتند و چند نفری نامه‌ای اعتراض آمیز نوشتند و تذکر دادند. رئیس جمهور، مطالب اعتراضیه خودش را در نشریه‌ای بنام «پیام رئیس جمهور» منتشر کرد، حتی کارنامه و اعلامیه‌ها را. دعوت به راهپیمایی کردند. جمعیت زیادی جمع نشد، فقط حدود پانصد نفر که در مقابل گروه کوچکی از حزب الهی‌ها متفرق شدند. خواستند بازار را هم تعطیل کنند، شکست فاحشی خوردند.

در همدان هم، که رئیس جمهور به شهر خودش پناه برده بود، حمایت درستی از ایشان نکردند. در شیراز، دکتر ابراهیم ایزدی از حزب الهی‌ها کتک خورده و من در مجلس این کار

۱ - بنی صدر در این اعلامیه، توقیف روزنامه‌ها را حرکتی در جهت تلاش برای حذف رئیس جمهور قلمداد کرد و خطاب به مردم اعلام نمود: رئیس جمهور شما همچنان در انجام رسالت شعلیری که شما ملت مسلمان ایران به عهده او گذارده‌اید، استوار ایستاده است و پیام و کارنامه خود را به هر شکل از جمله نوار و اعلامیه به اطلاع شما خواهد رساند و به دعوت شما که هر روز او را به مقاومت و استقامت می‌خوانید، صمیمانه لبیک می‌گویید.

را تقبیح کردم.

امام، امروز سخنرانی تند و جالبی فرمودند و سنگ تمام گذاشتند؛ از اقدام دادستان حمایت کردند، مخالفان را تهدید کردند، تأکید روی اعتبار قوانین و تعبیرات دیکتاتور و محمدرضا پهلوی در مورد مخالفان قانون. فکر می‌کنم زمینه اظهار و اقدام را از مخالفان کاملاً گرفتند و آنها را مات کردند.

احمدآقا، با موافقت امام، مقدمات تغییرات اساسی را در فرماندهی ارتش فراهم می‌کند و آقای خامنه‌ای را که در جبهه جنوب‌اند، برای این (منظور) به تهران خواسته است.

بعد از ظهر، گروهی دویست نفری از خانمهای نرس و پرستار بیمارستانهای خوزستان، به دیدن من آمدند. برایشان صحبت کردم^۱. شعار حزب الهی می‌دادند. جالب است.

عصر، در شورای قضائی جلسه مشورتی با حضور اعضای شورا و نخست وزیری داشتیم. وضع جاری را بررسی کردیم و خط حرکت آینده را ترسیم نمودیم و به نیروهای سپاه و کمیته‌ها برای احتیاط، آماده باش دادیم. بنا بود مناظره بنی صدر و... درباره بودجه پخش شود. با پیشنهاد خودش و استقبال ما به تأخیر افتاد.

تا آخر شب، اتفاق مهمی گزارش ندادند. خیلی خوب می‌گذرد و مخالفان فکر نمی‌کردند، این اندازه بی پایگاه و ضعیف باشند.

سه شنبه ۱۹ خرداد

۶ شعبان - ۹ ژوئن

جلسه علنی داشتیم. پیش از دستور، درباره اظهارات امام علیه لیبرالها و حمله اسرائیل به نیروگاه اتمی در حال ساخت عراق، صحبت کردم^۲.

طرح تعیین مهلت، برای امضای مصوبات مجلس، از طرف رئیس جمهور، مطرح بود. لیبرالها عقب نشینی کرده بودند و مخالفت نکردند.

ظهر، خانمهای طلبه و دانشجوی شیرازی و محصلان انجمن اسلامی بیجار، در محل کتابخانه مجلس، با من ملاقات کردند. حزب الهی ناب‌اند.

امام جمعه سابق همدان با رؤسای نهادها و شخصیت‌های همدان هم، به ملاقاتم آمدند،

۱- کتاب هاشمی رفسنجانی - سخنرانیهای ۱۳۶۰.

۲- کتاب هاشمی رفسنجانی - نطقهای پیش از دستور.

برای اینکه اخباری را که این روزها گفته می‌شود، همدانیها طرفداری از بنی‌صدر کرده‌اند، تکذیب کنند و به قول خودشان از دیانت و حیثیت مردم همدان، دفاع کنند.

آقای خامنه‌ای، با اصرار احمدآقا از جبهه برگشته بودند، برای تدبیر در امر ارتش، در شرایط موجود.

عصر، در جلسه دفتر سیاسی در محل کار آقای بهشتی، شرکت کردیم. همه بحثها در اطراف کیفیت برخورد با وضع موجود - که از ناحیه آقای بنی‌صدر پیش آمده بود - مقدار زیادی از وقت‌های گرانبها را صرف اختلافات می‌کنیم. خدا رحم کند.

شب، در جلسه مشورتی قوای سه‌گانه در نخست وزیری، شرکت کردم. آقای دکتر عارفی وزیر علوم هم بود و درباره ستاد انقلاب فرهنگی و افتتاح دانشگاهها بحث کردیم. آقای عارفی، معتقد بود، ستاد کاری اساسی نکرده و آقای باهنر هم جواب درستی نداشت. قرار شد، هفته آینده با شرکت همه طرفها، تصمیم روشنی درباره دانشگاهها بگیریم^۱.

خبری از آماده شدن بنی‌صدر، برای خروج از کشور رسید و گویا در همین رابطه، دونفر از دفتر ایشان بازداشت شده‌اند.

امروز، آقای بنی‌صدر در کرمانشاه مانده و با عشایر سنجایی، جلسه محرمانه داشته، معلوم نیست می‌خواهند چه بکنند.

آخر شب، خبری از شهادت جمعی پاسدار و ارتشی در اطراف مهاباد رسید که متأثر شدیم. در داخل تهران، حزب اللهی‌ها میدان حرکت آشوبگرانه ضدانقلاب و بنی‌صدریان را تنگ کرده‌اند و حزب کمونیست و رنجبران و مجاهدین خلق از بنی‌صدر حمایت و دعوت به راهپیمایی کرده‌اند. دفتر هماهنگی، با تأیید این گروهها، کاری از پیش نبرد و کسی شرکت نکرد، جز افرادی از خودشان.

۱ - در سالهای آغازین انقلاب اسلامی، دانشگاههای سراسر کشور به محلی برای جولان عناصر مسلح ضدانقلاب و گروهکهای چپ و مارکسیستی و نقاطی تبدیل شده بود و درگیریهایی فکری و جناحی به شدت در آن رواج داشت. برای پایان دادن به حضور این عناصر ضدانقلاب و همچنین تدوین و تصحیح مواد درسی دانشگاهها، انقلاب فرهنگی اعلام شد و ستاد انقلاب فرهنگی وظیفه نظارت اصلاح دانشگاهها را عهده‌دار گردید. پس از رفع و اصلاح موارد مذکور دانشگاهها در سال ۱۳۶۱ بازگشایی شد.

چهارشنبه ۲۰ خرداد

۷ شعبان - ۱۰ زونن

جواب نامه‌هایی که به منزل از طرف ارباب رجوع رسیده بود، دادم. ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم. جلسه علنی داشتیم. مهدی هم که مدرسه‌اش تعطیل بود، بامن به مجلس آمد. طرح مهلت محدود برای امضای مصوبات مجلس از طرف رئیس جمهور، مطرح بود. لیبرالها با تأخیر در حضور در تالار و سپس با غیتهای حساب شده، کارشکنی می‌کردند و من با اینکه عصبانی بودم خودم را کنترل کردم. پیشنهادها بررسی می‌شد و دائماً احتیاج به نصاب یکصد و هشتاد نفر داشتیم. کنترل مجلس مشکل بود. بالاخره طرح تصویب شد و بحثها هم معمولاً به ضرر رئیس جمهور بود و نطقهای پیش از دستور هم؛ مگر اظهارات آقای امجد جواد اجتی کرمانی که حمله به دو طرف و دعوت به وحدت بود که از طرف نمایندگان سخت مورد انتقاد قرار گرفت.

ظهر، احمد آقا خمینی به مجلس آمدند که با آقای خامنه‌ای، درباره آینده ارتش مشورت کنند و تصمیماتی اتخاذ کردند.

بعد از ظهر، بیشتر به کارها و مطالعه گزارشها و جواب نامه‌ها پرداختم. مسئولان روزنامه آزادگان آمدند و از فقر و کمبود و خسارت روزنامه، شکایت داشتند. راه چاره‌ای می‌جستند که قرار شد با وزرات ارشاد و بنیاد و حزب مذاکره شود.

مصاحبه‌ای هم با مجله عروة الوثقی، درباره اوضاع جاری داشتم^۱. اول شب به منزل آمدم ولی برای مشورت در امری فوری، به منزل آقای بهشتی دعوت شدم. احمد آقا هم حضور داشت. امام از ما خواسته بودند که درباره فرماندهی کل قوا، نظر بدهیم. امام تصمیم به عزل آقای بنی صدر از این سمت را گرفته‌اند. نظر این شد که فعلاً خود امام، فرماندهی را به

- کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.



امام تصمیم به عزل آقای بنی صدر از این سمت [فرماندهی کل فوا] را گرفته اند

عهده داشته باشند، تا در آینده با فرصت، فکری بشود و عزل ایشان با عبارتی موهن اعلام شد.^۱ آقای بنی صدر، در کرمانشاه است و گویا به دستور امام تحت نظرند که از کشور فرار نکنند. ستاد ارتش هم قبل از عزل، ضمن اعلامیه ۵۳۰ تقریباً ایشان را بی سمت اعلام کرده بود. بیشتر اعتماد آقای بنی صدر به ستاد ارتش بود. گویا ایشان این اعلان را غیرقانونی اعلام داشته‌اند؛ لابد عزل امام را هم قانونی نمی‌دانند!

پنجشنبه ۲۱ خرداد

۸ شعبان - ۱۱ ژوئن

پس از جواب نامه‌های ارباب رجوع منزل، به مجلس رفتم. در بین راه اخبار ساعت هفت صبح را گوش دادم. موضوع مهم، عزل آقای بنی صدر از فرماندهی نیروهای مسلح بود. شور و هیجان زیادی در حزب الله به وجود آورده. سخنرانان پیش از دستور مجلس هم، لبه تیز حملات خود را متوجه آقای بنی صدر کرده بودند.

مخصوصاً آقای امهدی نصیری لاری^۲، عدم کفایت سیاسی ایشان را مطرح کرد و خیلی خوب صحبت کرد؛ آقای دکتر اکاظم اسامی، اعتراض کرد که اهانت به رئیس جمهور شده است.

لایحه معاملات مسکن مطرح بود و تمام هم نشد. ظهر با نخست وزیر و شورای عالی قضائی و سپاه و دادگاه انقلاب جلسه مشورتی در محل شورای عالی قضائی داشتیم. اوضاع جاری را بررسی کردیم و تصمیماتی اتخاذ شد.

تظاهرات پراکنده‌ای در تهران و شهرستانها به نفع بنی صدر انجام می‌شود که عمدتاً توسط مجاهدین خلق است. بنی صدرها خیلی ترسیده‌اند و احتمال فرارشان قوی است.

۱ - امام خمینی در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۶۰ با این حکم، بنی صدر را برکنار کردند:

بسم الله الرحمن الرحيم - ستاد مشترک نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران آقای ابوالحسن بنی صدر را فرماندهی نیروهای مسلح برکنار شده‌اند.

و در ۲۱ خرداد این حکم را صادر فرمودند:

بسم الله الرحمن الرحيم نیکسار ولی فلاحی رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران تا تعیین تکلیف فرماندهی نیروهای مسلح ستاد مشترک، مجاز است با استفاده از اختیارات مقام رهبری، مأموریت‌ها و وظایف محوله را انجام دهد.

(صحیفه نور - ج ۸ - صفحه ۴۲۲) روح الله الموسوی الخمينی

۲ - شهید امهدی نصیری لاری، نماینده مردم لارستان در مجلس شورای اسلامی بود که در فاجعه انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ به شهادت رسید و در سیرجان مدفون گشت.